کارگران و زحمتکشان متحد شوید

# پیکار

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

سال سوم - شماره ۱۱۷ | چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۰ | ۱۶ صفحه ۳۰ ریال

## جمع‌بندی مبارزات جنبش دانشجویی و مقاومت و گسترش آن

رفقا!

هرجنبش انقلابی وهربازمان سیاسی درطول حیات خودفراز ونشیب هائی را پشت سرمیگذارد ،ودرکوره آزمایش مبارزات سخت درسها می آموزد و راه پیروزی خودرا هموارمی‌کند .بدون گذشت ازیک سری موانع ودشواریها ،بدون روبا روشی با نبردها آزمونهای سخت نه هیچ جنبش انقلابی به پیروزی رسیده است ونه هیچ سازمان سیاسی تبدیل به پیش آهنگ آبدیده وپولادین طبقه و رهبری کننده توده ها گشته است .آنچه که امروزدرمیهن ما میگذرد ،نمونه ای ازاین روبا روئی با دشواریها وآزمونهای سخت است که تاریخ دربرابرجنبش انقلابی وسازمانهای سیاسی قرارداده است .در اینجاست که بویژه کمونیستها باید در عمل نشان دهندکه براستی انسانهائی ازتبار دیگرند وبا ایمان به پیروزی ـ طبقه کارگروتوده های زحمتکش دربرابر سختی ها ودشواریها چون کوه استوار و چون پولاد مقاوم وسرسخت با دشواریها روبا روئی میکنند .سراسرتاریخچه جنبش کمونیستی جهانی سرشاراست ازچنین مقاومت ها ،پایداری ها وحماسه آفرینی

بقیه در صفحه ۱۲

## سرمقاله
## تحریم انتخابات ریاست جمهوری

حزب جمهوری اسلامی پس ازقبضه کامل قدرت وپس ازکنارنهادن بنی صدر اینک سعی داردبا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آخرین موضع حکومتی رانیزرسما "به تصرف درآورد وبه سلطه خودبرتمامی نهادها شکلی قانونی بخشد.

با وجودیکه این انتخابات وبرگزی ـ های خاص خودرا داراست ،با وجودیکه این انتخابات حتی بیش ازانتخابات گذشته جنبه فرمایشی ونمایشی دارد ،با وجودیکه براثرشدت مبارزه طبقاتی وبر اثراوجگیری مبارزات توده ها ،براثر افشای بیش ازپیش چهره ضدخلقی حزب جمهوری اسلامی وبراثرسیاستهای سرکوبگرانه رژیم این انتخابات نمیتواند بصورت مساله حادتوده ها درآیدومبارزات ـ شان راتحت الشعاع قراردهد .اما علیرغم تمام این عوامل ـ با وجودیکه دراتخاذتاکتیک ما نسبت به انتخابات تاثیرخواهدنهاد ـ ما وسایرنیروهای انقلابی رااز موضعگیری درمقابل انتخابات آتی مبرانخواهدکرد.

هموارهودرهرانتخاباتی ابتدا باید به یک سئوال اصلی پاسخ روشن وصریح داد .شرکت در انتخابات وبا تحریم آن

بقیه در صفحه ۲

## انتخابات میاندوره‌ای مجلس، نموداری از سلب اعتماد توده‌ها از نهادهای حاکمیت

صفحه ۱۶

## خمینی چه گفت خمینی چه کرد؟

(صفحه ۹)

## بودجه ۶۰: گامهای بلند سوی امپریالیسم
## جمهوری اسلامی نگهبان "ارزشهای نگین"

آنچه که درباره سیاستهای اسف انگیز حکومت درچگونگی تامین درآمدها گفته شد ،تنها نیمی ازموقعیت ورشکسته و سیاستهای ضدخلقی رژیم راآشکارمیسازد. برای تکمیل این تصویرباید نیمه دیگر بودجه ،یعنی چگونگی هزینه های دولت را نیزدرنظرگرفت .بی شک چگونگی و جهت تامین درآمدها وهزینه ها نمی‌توانند بی ارتباط با یکدیگرباشد .وقتی سیاستهای تامین درآمدهای دولت در جهت نزدیکی به امپریالیستها ،تشدید وابستگی وفشاربرتوده های زحمتکش میهنمان قراردارد ،سیاستهائی راکه دولت درجهت خرج این درآمدها متعهد میشودنیزدرهمان راستا واقع میشود.

بقیه در صفحه ۷

## درون شماره


- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- گزارشی از تزمن صحرا
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو


مرگ برحزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی

پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

# تحریم انتخابات ریاست جمهوری

بقیه از صفحه ۱

سایر سئوالات، شکل انجام هر عمل و وسایلی که در هر مورد بکار گرفته خواهد شد پس از جواب به این سئوال اصلی تعیین میگردد. درنتیجه ما سعی خواهیم کرد این سئوال اصلی را پاسخ گوییم و موضع خود را نسبت به انتخابات ریاست جمهوری روشن کنیم.

## تحریم یا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات در جامعه بورژوایی درجهت ایجاد و تثبیت یک نهاد (حکومتی) انجام میگیرد. هیچگاه صرفا "ارتجاعی بودن این نهاد بورژوائی نمیتواند موجب تحریم انتخابات گردد. هیچگاه نمیتوان شرکت در انتخابات مجلس شورا را فقط بدلیل ارتجاعی و ضدخلقی بودن این مجلس تحریم کرد. مثلا" کمونیستهای "چپ" آلمان در مقابل سئوال "آیا باید در پارلمان بورژوائی شرکت کرد؟" میگفتند "باید هرگونه بازگشتی را بسوی شکلهای مبارزه پارلمانی که از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است با قطعیت رد کرد". ولنین در پاسخ به آنان میگفت "پارلمانتاریسم "از لحاظ تاریخی کهنه شده است" این مطلب از نقطه نظر تبلیغات صحیح است ولی همه کس میداند که این امر تا غلبه عملی بر آن ـ هنوز خیلی راه است... آیا پارلمانتاریسم "از لحاظ سیاسی کهنه شده است" این مطلب دیگریست "تا زمانیکه "میلیونها" و "لژیونهای" پرولتر هنوز نه تنها بطور کلی طرفدار پارلمانتاریسم بلکه مستقیما "ضدانقلابی" هستند آنوقت چگونه میتوان مدعی شد که "پارلمانتاریسم در آلمان از لحاظ سیاسی کهنه شده است"..." (بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم") بدرستی روشن است درک ماهیت ضدخلقی و ارتجاعی یک نهاد یا یک سیستم از سوی پیشرو نمیتواند تنها ملاک اتخاذ تاکتیک قرار گیرد. باید دید موضع توده ها در این مورد چیست. "مطلب بر سر آنست که تصور نشود آنچه برای ما کهنه شده است برای طبقه برای توده ها هم کهنه شده است" (همانجا ـ تاکیدات از لنین است) درنتیجه روشن است بدون تکیه بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص مبارزه، بدون بررسی سطح مبارزاتی توده ها در مقطع انتخابات، بدون درنظر گرفتن تجارب انتخابات قبلی نمیتوان سخنی از تحریم یا شرکت در انتخابات به میان آورد. لنین در این مورد در مقابل استدلال سوسیال رولوسیونرها که دومای سوم را بنا بر "ماهیت ضدانقلابی و ارتجاعی حکومت" تحریم کردند چنین میگفت "نادرستی این استدلال برای سوسیال دمکراتها معلوم است از آنجا که هیچنوع کوششی برای تحلیل از شرایط تاریخی عملی بودن تحریم نمیکنند. سوسیال دمکراتی که از موضع مارکسیستی عمل میکند تحلیل خود در [illegible] مبنی بر درجه ارتجاعی [illegible] موسسه یا نهاد و غیره قرار نمیدهد [illegible] که با اتکاء بر آن شرایط ویژه مبارزه که در [illegible] جریان انقلاب روسیه نشان داده شده.. [illegible] حرکت میکند. هرکس بدون تحلیل از تجارب گذشته [illegible] درباره تحریم صحبت کند [illegible] است" (مساله تحریم دوما ـ جلد ۳ کلیات لنین ـ تاکید از ماست). بخوبی روشن است تنها با تحلیل و بررسی شرایط مشخص و ویژه موجود در هر مقطع زمانی و با درنظر داشتن تجربیات توده ها در رابطه با انتخابات است که میتوان در مقابل انتخابات به موضع مارکسیستی اتخاذ نمود.

## تحریم چیست؟ و در چه مواقعی بکار گرفته میشود؟

گفتیم که انتخابات در جامعه بورژوائی درجهت ایجاد و یا تثبیت یک نهاد بکار گرفته میشود. تحریم مبارزه ای است جهت جلوگیری از بوجود آمدن و یا فعال شدن این نهاد. "تمام تحریمها یک مبارزه است، نه درون یک نهاد موجود بلکه علیه به وجود آمدن آن، یا بهتر بگوئیم علیه فعال شدن آن ..." (مساله تحریم دوما ـ جلد ۳ کلیات) پس مهمترین عامل جهت اتخاذ تاکتیک تحریم بررسی سطح مبارزات توده ها و ذهنیت حاکم بر آنان است. باید دید آیا وضعیت مبارزاتی توده ها این اجازه را میدهد که بکارگیری تاکتیک جلوگیری از بوجود آمدن یا فعال شدن یک نهاد دشمن بیشترین نیروی ممکن را گرد خود بحرکت درآورد. بعنوان مثال آیا در مقطع انتخابات مجلس خبرگان زمانی که هنوز توده ها بشکل وسیعی نسبت به رژیم متوهمند، زمانی که هنوز توده ها تمامی امید خود را به معجزه بالائیها بسته اند، آیا میتوان با تحریم انتخابات این مجلس آنان را بسیج نمود. آیا حرکت ما درجهت جلوگیری از ایجاد این نهاد قادر است تاثیری در مبارزات توده ها و ارتقاء آن برجای نهد یا چنین حرکتی تنها باعث منفرد شدن نیروی پیشرو گردد. درچنان شرایطی تحریم انتخابات مجلس خبرگان عملی است چپ روانه عملی است که فقط مبتنی بر شناخت پیشرو از ماهیت ارتجاعی رژیم و آن مجلس انجام گرفته و هیچگونه آشنائی از تحلیل وضعیت مبارزاتی و ذهنیت توده ها در آن نیست. باید دانست کلا" مساله تحریم این است که آیا جائی برای مبارزه علیه به وجود آمدن چنان نهادی وجود دارد؟" (همانجا) تحریم کلا قانونیت نهادهای حکومتی را بزیر سئوال می کشد و علاوه بر آن قانونیت رژیم را که میخواهد آن نهاد را برقرار سازد نفی میکند "هر نهاد یا موسسه موجود تنها از طریق رژیم از گذشته موجود (قدیمی) میتواند به وجود آید. بدینتیجتا"، تحریم وسیله ایست برای مبارزه که هدفش مستقیما" سرنگونی رژیم گذشته است به طوری که او قادر نباشد آن نهاد و یا موسسه را بوجود آورد، قادر نباشد که آنرا بکار بیندازد. بنا بر این برای اینکه در تحریم موفق شویم باید یک مبارزه مستقیم علیه رژیم قدیمی یک قیام علیه آن و عدم اطاعت توده ای از رژیم قدیمی (که یکی [illegible] از شرایط تدارک قیام است) در موارد متعددی وجود داشته و خود را نمایان کرده باشد..." (همانجا) تحریم نه بعنوان [illegible] مجزا و منفرد بلکه حلقه ای است در زنجیره [illegible] متصل تاکتیکها. اتخاذ تاکتیک تحریم به معنی نفی رژیم موجود به معنی بزیر سئوال کشیدن قانونیت آن و به معنی دعوت توده ها به مقابله با رژیم و سرنگونی آن [illegible] خودروشی در جهت [illegible] با تضعیف رژیم موجود است. درهمین رابطه است که لنین میگوید "تحریم اعلام جنگ علنی علیه رژیم قدیمی یک حمله مستقیم علیه آن است مگر اینکه تکانهای انقلابی وسیعی وجود داشته باشد... وگرنه صحبتی از موفقیت تحریم نمیتواند در میان باشد." اما با اینوصف باید روشن شود که تحریم تاکتیکی مختص دوران اعتلای انقلابی نیست. درشرایط اعتلای انقلابی، درشرایطی که توده ها در مقابل رژیم حاکم بپاخواسته اند، در شرایطی که توده ها میروند تا با قدرت خویش دگرگونی های اساسی در ساخت حاکمیت ایجاد کنند. همواره تاکتیک تحریم بکار گرفته میشود ولی این به معنای اختصاص این روش به این شرایط نیست. تحریم انفعالی به شرایطی دارد که رژیم حاکم درنزد وسیعترین توده ها مشروعیت خود را از دست داده باشد (و این با اعتلای انقلابی متفاوت است) بخصوص در جوامع وابسته با دیکتاتوری آشکار، دیکتاتوری عاملی است که مقطع زمانی ما بین از دست رفتن مشروعیت رژیم درذهن توده ها و بپا خاستن و بزیر سئوال کشیدن عملی رژیم از سوی آنان را عموما" طولانی مینماید. مثلا" زمان رژیم شاه، مدتهای مدید رژیم شاه مشروعیت خود را نزد توده ها از دست داده بود. نهادهای تشکیل یافته رستاخیزی، مجالس فرمایشی کوچکترین اعتباری نزد توده ها نداشت اما خیزش توده ای درجهت نابودی رژیم بشکل وسیع و سراسری وجود نداشت. در چنین شرایطی مسلما" تاکتیک تحریم بکار گرفته میشود، و خود گامی است در جهت رسوائی بیشتر رژیم و در جهت بحرکت درآوردن وسیعترین توده ها درجهت نابودی آن. اما در آن شرایط (مثلا" سالهای ۵۰ تا ۵۵) تاکتیک تحریم بعلت عدم وجود خیزش توده ای بشکل فعال خود صورت نمیگیرد. زیرا "تحریم فعال معنی ای بغیر از یک خیزش انقلابی وسیع ندارد." (همانجا)

خلاصه میکنیم: جهت اتخاذ تاکتیک در قبال انتخابات باید

الف: تجربیات گذشته و وضع توده ها در مقابل انتخابات قبل را جمعبندی نموده و بکار بست.

ب: موضعگیری در قبال انتخابات نه برحسب ارتجاعی بودن یا نبودن نهادهای بورژوائی بلکه برزمینه تحلیل از وضعیت مشخص موجود، سطح مبارزاتی توده ها و ذهنیت آنها نسبت به رژیم حاکم و تناسب نیروها و طبقاتی شکل می گیرد. اتخاذ تاکتیک تحریم به معنی دعوت توده ها به سرنگونی رژیم و به معنی به زیرسئوال کشیدن قانونیت رژیم حاکم است. درعین حال تاکتیکی است که برخلاف توهمات توده ها نسبت به امکان تغییر از بالا و امید بستن به تحولات درون بالائیها بکار گرفته میشود. گرچه همواره درشرایط اعتلای انقلابی تاکتیک تحریم بکار گرفته می شود اما این تاکتیک مختص شرایط اعتلای انقلابی نبوده، مختص شرایطی است که رژیم حاکم درنزد توده ها مشروعیت خود را از دست داده است. اما بهرصورت تحریم فعال فقط و فقط در شرایط وجود خیزش توده ای شکل میگیرد وکلا" معنائی بجز یک خیزش وسیع برضد رژیم ندارد.

اینک پس از این بررسی مختصر درمورد تحریم یا شرکت در انتخابات باید دید این مساله در مورد خاص انتخابات ریاست جمهوری چه ویژگیهائی را دارا است. میدانیم رئیس جمهور نه یک نهاد قانونگذار بلکه یک نهاد اجرائی است. در این رابطه است که میتوان کلا" پرسید آیا کمونیستها میتوانند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند؟ شرکت ما در پارلمان بورژوازی جهت افشاگری و سودبردن از تریبون آن برای هرچه بیشتر افشاء نمودن چهره بورژوازی است اما رئیس جمهوری و هر نیروی اجرائی دیگر در دولت بورژوائی مامور سرکوب مستقیم توده هاست. آیا کمونیستها میتوانند در انتخاب سرکوبگران توده ها شرکت کنند؟ در جواب باید مساله را کمی دقیقتر بررسی نمود.

یکی از شرایطی که کمونیستها میتوانند درچنین انتخاباتی شرکت کنند (و این الزاما" به معنی شرکت حتمی آنان نیست بلکه به معنی امکان این شرکت است) زمانی است که نیروی آنان قادر به ایجاد تغییر در توازن نیروها باشد. هرگاه رای کمونیستها در انتخابات ریاست جمهوری نقش تعیین کننده یابد آنگاه است که باید با بررسی مشخص و کاملا" دقیق از کاندیداها و نیروهای شرکت کننده در انتخابات به پاسخی قطعی دست یافت. آنگاه است که کمونیستها قادرند با اتکاء به نیروی خود، حتی در شرایطی ویژه به جناحی از بورژوازی (و یا نیروی دیگر) رای دهند. در این شرایط شرکت در انتخابات به حربه ای درجهت تغییر توازن نیروها در خدمت مبارزه پرولتاریا بدل میشود. اتخاذ چنین تاکتیکی میتواند در خدمت ارتقاء مبارزات توده ها قرار گیرد. در چنین شرایطی میتوان از نیروی خود جهت انتخاب نمودن جناح "مطلوبتر" سود برد (و این در شرایطی است که بتوان چنین تمایزی را درمیان نیروهای شرکت کننده قائل شد. مثلا" آنگاه که دمکراتهای انقلابی نیز در انتخابات شرکت دارند ما بهیچوجه با اتکاء به این مساله که ماشین دولتی بورژوائی و سیستم سرمایه داری سیاستهائی در خدمت بورژوازی به پیش خواهد برد از انتخاب این نمایندگان در مقابل نمایندگان بورژوازی چشم نخواهیم پوشید) مسلم است که شرکت در انتخابات و رای دادن به یکی از کاندیداها در عین به خدمت گرفتن نیروی موجود جهت انتخاب جناح "مطلوبتر" در جهت تشدید تزلزلات و ناپیگیری همین جناح نیز قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر شرکت در چنین انتخاباتی همواره "به معنی وجود یا انتخاب جناح "مطلوبتر" نیست بلکه میتوانند در خدمت افشای یک نیرو و یا سود بردن از تضادهای موجود بین جناحهای مختلف بورژوازی، دامن زدن به این تضادها و جلوگیری از یکپارچه شدن بورژوازی درون حاکمیت قرار گیرد. (درصورت بروز چنین شرایطی ما در این مورد بیشتر سخن خواهیم گفت).

اینک میتوان به بررسی وضع موجود و تاکتیک ما در قبال انتخابات ریاست جمهوری پرداخت.

از یکسو باید بدین نقطه آغاز تحلیل خود را بر بررسی تجارب توده ها در رابطه با انتخابات قرار دهیم. رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال و نیم حاکمیت خود بارها توده ها را به پای صندوقهای رای کشیده است و در تمامی این مراحل نیز از نفوذ خمینی جهت کشاندن هرچه بیشتر توده ها به انتخابات سود برده است. اما هرگاه پروسه این عمل را بررسی کنیم بخوبی روشن میشود توده ها هربار در اثر توهمات خود نسبت به رژیم و در اثر فریب و نیرنگ های حاکمیت اما برزمینه خواستهای مشخص مادی به پای صندوقها رفته اند. هربار رای داده اند تا شاید خواستهایشان برآورده شود تا شاید بقول سران ارکان رژیم ایجاد گردد و خواستهای آنان برآورده شود. اما تجارب عملی توده ها در رابطه با نهادهای ایجاد شده تاثیر بسیاری بر زدوده شدن توهمات آنان داشته. مثلا" دیدیم باوجود نفی مجلس موسسان (که خواست مردم بود) از سوی رژیم توده های بسیاری در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند اما تجربه عملی مجلس خبرگان که حتی در اواخر عمرش مورد مسخره و مضحکه مردم قرار گرفت باعث شد که رژیم برای آنکه دست پخت ارتجاعی این مجلس را بخورد مردم بدهد مجبور به کمک گرفتن از چاشنی تسخیر سفارت گردد و یا دیدیم استقبال کمابیش زیاد مردم از انتخابات مجلس شورا پس از اینکه توده ها بشکل ملموس با عملکردهای ضدمردمی این مجلس آشنا شدند، پس از آنکه مردم دیدند با تثبیت مجلس هم گرهی از کارهایشان باز نشد و پس از آنکه توده ها دریافتند مجلس نیز یکی از ارکان حمایت از سرمایه داران و زمینداران است در انتخابات میاندوره ای اخیر به شکست مفتضحانه رژیم در پای صندوق کشاندن

بقیه در صفحه ۱۵

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# حمله مزدوران جمهوری اسلامی به کارکنان پالایشگاه تهران

صبح روز دوشنبه ۶۰/۴/۸ کارکنان پالایشگاه تهران در محل پارکینگ مقابل پالایشگاه مورد تهاجم پاسداران و انجمنی ها قرار گرفتند. در این ماجرا عده‌ای دستگیر شدند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

صبح روز دوشنبه کارکنان پالایشگاه تهران طبق روال روزانه وبی خبر از آنچه که شب قبل در مرکز حزب جمهوری اسلامی اتفاق افتاده بود، با سرویسهای خود روانه محل کار شدند. آنها حتی از تعطیلی دو روزه نیز بی خبر بودند. کارکنان ضمن حرکت، در سرویس از طریق رادیو از ماجرا با خبر شدند، اما برای ادامه کار خود و کسب تکلیف، حرکت خود را به سوی پالایشگاه ادامه دادند. اما بلافاصله پس از ورود سرویسها به پارکینگ با وضعیتی غیرعادی روبرو شدند. یکی از نمایندگان شورا زیر ضربا مشت و لگد یکی از شعبان بی‌مخها پالایشگاه (عضو انجمن اسلامی و سپاه پاسداران) قرار گرفته بود، تعدادی را از تو بوسها با خشونت پیاده میکردند اوضاع متشنج بود، انجمنی ها و پاسداران با خشونت و عصبانیت بیشتر سوی می دویدند، بهرحال کارکنان از میان این اوضاع آشفته سرکار خود

بقیه در صفحه ۴

# جنبش کارگری

# تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز
# تلاش برای ادامه کار فولاد کروپ آلمان

رژیم جمهوری اسلامی که در پی بحران فزاینده اقتصادی، از پا سخگوئی به خواسته‌های توده کارگران و زحمتکشان درمانده است، با تمام قوا تلاش میکند بار بحران را بر دوش کارگران بگذارد از این رو این رژیم برای تامین منافع سرمایه داران پیش از پیش دست به تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران زده است و هردم بر میزان بیکاری و آوارگی وبی خانمانی کارگران می افزاید. این رژیم که از یکسو صنایع فولاد اهواز را تعطیل می کند و هزاران کارگر را بیکار می گرداند و این درحالی است که کمر کارگران در زیر گرانی و تورم وحشتناک خم گشته است از سوی دیگر برای ادامه مشارکت خود در انحصارات امپریالیستی کروپ به فریب متوسل می شود و ادامه شرکت در کارخانجات فولاد کروپ را جهت جلوگیری از اخراج کارگران این موسسه قلمداد می کند. اما واقعیت این است که رژیم جمهوری برای ادامه مشارکت در کارخانجات فولاد کروپ مجبور شده است صنایع فولاد اهواز را به تعطیل بکشاند.

مبارزات کارگران صنایع فولاد که جهت جلوگیری از تعطیل این مجتمع از مدتها قبل ادامه داشت با اعلام تعطیل این مجتمع اوج تازه‌ای گرفت. کارکنان برای ادامه مبارزه پیگیر و مستمر خود دست به تشکیل شورائی بنام "هیئت منتخب کارکنان مجتمع فولاد اهواز و شرکتهای تابع و وابسته" زدند شورا در نخستین اطلاعیه خود همه کارکنان را به مبارزه جهت تحقق خواستهای زیر فراخواند

۱- جلوگیری از تعطیل شدن مجتمع و پیمانکاریهای وابسته
۲- مخالفت با هرگونه کاهش حقوق و دستمزد کارکنان
۳- مخالفت با اجرای طرحهائی از قبیل تعاونی، تعطیل موقت و ... شورا برای ادامه مبارزه ۲ نفر از نمایندگان را جهت مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی به تهران فرستاد. نمایندگان شورا در تهران ابتدا با احمدزاده وزیر صنایع ملاقات کردند. آقای وزیر در پاسخ خواستهای کارگران گفت:"

من شما را به رسمیت نمی شناسم و پاسخی برای شما ندارم" سپس نمایندگان شورا پس از رفتن به نخست وزیری و سایر ارگانهای دولتی بدون نتیجه به اهواز بازگشتند. نمایندگان شورا جریان خود در تهران را در یک مجمع عمومی به اطلاع تمام کارکنان رساندند آنها کارکنان را تشویق به مبارزه برای تحقق خواستهای مادره در قطعنامه فراخواندند، که با استقبال پرشور کارکنان روبرو شد.

مبارزات کارکنان با تجمع و راهپیمائی در روزهای شنبه و یکشنبه ۳۰ و ۳۱ خرداد ماه ادامه یافت. در روز یکشنبه کارکنان ضمن تعطیل نمودن تمام قسمتها دست به راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی کارکنان بر علیه مقامات جمهوری اسلامی و انجمن اسلامی شعار می دادند. پاسداران سرمایه به کارکنان یورش آوردند آنها ضمن بستن راههای ورود و خروج کارخانه از کارکنان خود خواستند که متفرق شوند اما کارکنان پاسداران را هو نموده و شعار "انجمن اسلامی این لانه جاسوسی نابود باید گردد" را سر می دادند. در پی جریانات روز یکشنبه و روز دوشنبه، پاسداران عده‌ای از نمایندگان و کارگران صنایع فولاد را مخفیانه دستگیر کردند تا کنون

بقیه در صفحه ۴

# اخباری از انجمن های اسلامی کارخانه ها

حکومت ضدخلقی جمهوری اسلامی همزمان با یورش به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک در نظر دارد جو خفقان و رعب و وحشت را در کارخانه ها نیز ایجاد کند تا در سایه آن سرمایه داران به راحتی بتوانند به استثمار هرچه بیشتر کارگران بپردازند. در این راه انجمنهای اسلامی بمثابه شاخکهای حزب جمهوری اسلامی در کارخانه ها از تمام شیوه‌های ممکن برای سرکوب مبارزات برحق کارگران، حاکم کردن فضای خفقان بر کارخانه ها استفاده می کنند. آنها در همکاری مستقیم با مدیریت کارخانه بوسیله تهدید، شناسائی و اخراج کارگران پیشرو و آگاه و دادن اطلاعیه‌ای تهدیدآمیز و منع کارگران از هرگونه بحث سیاسی نقش ساواک کارخانه ها را بازی می کنند. اخبار زیر نمونه‌های کوچکی است در اثبات این گفتار:

در کارخانه ایران والوین در بخشی که بین کارگران برسر حاکمیت در میگیرد یکی از افراد انجمن کارخانه که عضو بسیج بوده و روابط بسیار نزدیکی هم با انجمن اسلامی دارد با ایجاد یک درگیری مصنوعی افراد کمیته را خبر کرده و آنها هم سه تن از کارگران را به کمیته می برند یکی دیگر از نزدیکان انجمن اسلامی لیستی از ۴۰ تن از کارگران که اکثرا آگاه و مترقی هستند تهیه کرده و به مدیریت میدهد و اعلام میکند که تا این عده از کارخانه اخراج نشوند من به سرکار برنمی گردم.

در کارخانه های داروپخش و دن پاکستو و صنایع هواپیمائی انجمن اسلامی برای شناسائی کارگران آگاه عده‌ای از افراد بسیج سپاه پاسداران و افراد معرفی شده از خانه کارگر را مقر انجمنهای اسلامی کارخانجات است

بقیه در صفحه ۴

# افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۴

# اخباری از انجمن های ...

بقیه از صفحه ۳

به کارخانه آورده و بعنوان کارگر و کارمند برای خبرچینی به قسمتها فرستاده اند. اما کارگران که به ماهیت انجمن اسلامی پی برده اند از این افراد کناره میگیرند و به آنها به چشم جاسوس نگاه میکنند.

در کارخانه اسکوئیپ اطلاعیه ای ما درشده که کارگران حق هیچگونه بحث سیاسی در کارخانه را ندارند و در اطلاعیه ای برای شناسائی کارگران مبارز و آگاه کمک خواسته شده.

در کارخانه مینو اطلاعیه ای از طرف انجمن اسلامی ما درشده که نیروهای سیاسی حق ندارند در کارخانه اعلامیه پخش کنند و هیچگونه بحث سیاسی نباید در کارخانه صورت گیرد و سرپرستها در این موارد با بدشدیدا "جلوی کارگران را بگیرند. نمایندگان کارگران به این اطلاعیه اعتراض کرده و اعلام کرده اند که انجمن اسلامی حق هیچگونه مداخله در امور کارخانه را ندارد.

در شرکت واحدا انجمنهای اسلامی نیروی خود را روی کوبیدن شوراهای مترقی تمرکز داده و اخراج نمایندگان مترقی آن گذاشته اند و آنها به بهانه کمونیست و غیر مسلمان بودن نمایندگان شورا قصد دارند ابتدا نمایندگان مترقی شوراها را اخراج کنند و سپس شوراها را از بین ببرند. در مجمع عمومی که هفته گذشته در تعمیرگاه ۴ تشکیل شده بود. بدنبال سعی انجمن اسلامی در دخالت در مسائل کارگران، کارگران اعلام کردند که انجمن اسلامی حق مداخله در امور کارگران را نداشته و آنها فقط شورا را به رسمیت می شناسند.

در کارخانه ایران ناسیونال به دنبال تحمیل حدود ۷۰۰ نفر از کارگران که تحت عنوان ۵ درصدی اخراج شده بودند اعلام شد تعدادی از این کارگران که در امتحان کتبی و سپس شفاهی ایدئولوژیک! شرکت کرده و قبول شده اند میتوانند دوباره به کارخانه برگردند البته امتحان کننده انجمن اسلامی است.

به این ترتیب سیاستهای انجمنهای اسلامی بدنبال سیاست حزب جمهوری اسلامی در شرایط کنونی یورش جدیدی برای محو کلیه حقوق دمکراتیک کارگران است. هدف انجمن های اسلامی ایجاد آنچنان جوی در کارخانه ها است که هیچ کارگری جرات صحبت از خواستهای برحق خود، افشاء سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و فقر و بدبختی و بیکاری و گرانی را پیدا نکنند. اما در شرایطی که توده های زحمتکش مردم به ماهیت ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی عملش پی برده اند، در شرایطی که هر روز دهها نفر در راه مبارزه با سیاست سرکوب حزب جمهوری شهید میشوند انجمنهای اسلامی آرزوی ایجاد خفقان را بگور خواهند برد. کارگران و زحمتکشان حزب جمهوری و انجمنهای اسلامیش را نیز همچون رژیم مزدور شاه به گور خواهند برد. کارگران پیشرو! مبارزه بر علیه سرکوب و اختناق مبارزه برای آزادیهای سیاسی تشکیل شوراهای انقلابی و بطور کلی مبارزه برای خواستهای دموکراتیک درون کارخانه ها بطور برجسته ای با انجمنهای اسلامی روبرو می گردد. با تمام قوا برای برچیدن این کانونها، از کارخانجات بپا خیزید!

نابود باد انجمنهای اسلامی

زنده باد شوراهای انقلابی!

# حمله مزدوران ...

بقیه از صفحه ۳

روآن شدند اما در پالایشگاه اعلام شد ده دوروز تعطیل است. مجددا کارکنان برای بازگشت به منازلشان آماده می شدند که خشونت شدت بیشتری گرفت راههای خروجی پارکینگ بسته شد. اتوبوسها و سرویسها مورد بازرسی قرار می گرفت. صدای بگیر و ببندها پاسداران و انجمنی ها همه جا شنیده می شد. سرویس ها را متوقف کنید. همه جا را بگردید، اجازه ندهید کسی خارج شود. و این ماجرا بالاخره با دستگیری عده ای متجاوز از ده نفر از کارکنان پالایشگاه موقتا" خاتمه یافت. حرکت پاسداران مسلح و انجمنهای پالایشگاه در پارکینگ مقابل در پالایشگاه تهران برای بسیاری از کارکنان این پالایشگاه یادآور روزی بود که نظامیان شاه در ۱۷ شهریور به چادرهائی که در مقابل در پالایشگاه برپا شده بود حمله کردند. در آنروز نیز کارکنان مبارز پالایشگاه تهران بعنوان اعتراض به رژیم شاه در پارکینگ پالایشگاه اقدام به برپائی چادرهائی کرده بودند که مورد هجوم وحشیانه مزدوران رژیم سابق قرار گرفت. اما این بار حمله به کارکنان، هدفش علاوه بر ایجاد محیط رعب و وحشته دستگیری نمایندگان شوراهای پالایشگاه نیز بود.

ما به کلیه کارکنان مبارز و انقلابی صنعت نفت هشدار می دهیم که تنها مقاومت سرسختانه، متحد و یکپارچه میتواند خطراتی را که جنبش کارگری، شوراها و بویژه شورای صنعت نفت را تهدید میکند برطرف نموده و امکان استقرار مجدد دیکتاتوری را در جامعه و در محیط های کارگری برطرف سازد. از اینروست که میگوئیم همه کارکنان مبارز صنعت نفت باید با حمایت از شوراهای انقلابی خود، با مقاومت در مقابل سیاست های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، از دست آوردهای انقلاب دفاع نموده و پاسدار آزادی همه های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده های کارگران و زحمتکشان باشند.

# تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز ...

بقیه از صفحه ۳

عده ای از کارگران آزاد شده و تعدادی از نمایندگان کارگران هنوز در اسارت بسر می برند و از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

آری رژیم جمهوری اسلامی که در مقابل خواستهای حق طلبانه توده کارگران خود را ناتوان یافته است چاره ای جز توسل به سرکوب کارگران نمی بیند. رژیم جمهوری اسلامی که قرارداد اسارت بار خود را با کارخانجات فولاد کروپ آلمان هنوز ادامه می دهد بهای ورشکستگی این انحصارات امپریالیستی را از جیب توده کارگران و زحمتکشان ایران می پردازد و شرکت در این انحصارات امپریالیستی را جهت "نفوذ ایدئولوژی اسلامی" در جمهوری فدرال آلمان می داند و آقای احمدزاده وزیر صنایع برای جلوگیری از اخراج ۵ هزار کارگر کروپ آلمان می گوید "طبق عقیده و ایدئولوژی ما سرنوشت انسانها را مهمتر از امور و مصالح اقتصادی است" (روزنامه اطلاعات) جالب است که این آقای وزیر برای موسسه کروپ صحبت از تشکیل "شورای نظارت کارخانه" می کند اما مشت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در پیشگاه توده کارگران و زحمتکشان باز شده است سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در ایران با سرکوب و دستگیری نمایندگان شورا کمر به نابودی شورا بسته اند این رژیم که با تعطیل کردن کارخانجات صنایع فولاد بیش از هزاران کارگر را در ایران از کار بیکار کرده اند.

گویا "ایدئولوژی اسلامی" را فقط برای مشارکت در انحصارات امپریالیستی چاپ زمی شمارند این اعمال جزبیان آشکار همدستی این رژیم با امپریالیستها نیست. کارگران میهن امروز دیگر فریب دغل کاریهای رژیم جمهوری اسلامی را نمی خورند و مبارزه برای رهائی خود از سلطه امپریالیسم و کارمزدی، آزادی - ادامه می دهند و در این مبارزه دوشادوش تمام کارگران جهان برای بنای جامعه ای فارغ از بهره کشی انسان از انسان به پیش می روند.

**دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است**

از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات
## کارگران پیشرو

* * *

اعلامیه‌های فوق حدوداً اواخر مرداد و اوایل تیرماه منتشر شده‌اند.

* * *

## کچسارون

هواداران سازمان در کچسارون اعلامیه‌ای تحت عنوان "دوروز تعطیل و ۴۰ ساعت کار در هفته حق مسلم کارگران است" منتشر نموده‌اند. در بخشهائی از این اعلامیه چنین آمده است: "کارگران مبارز کچسارون! روز پنجشنبه ۶۰/۳/۲۱ گروهی از کارگران قسمتهای پاتزن، مستقلات، تعمیرات هوس کیپینگ، گاراژ، خط لوله و... منطقه گچساران شرکت نفت بعلت اعتراض به پنجشنبه کاری سرکار حاضر نشدند. بدنبال اقدامات ضدکارگری مدیریت منطقه (نیکروش برادر نیک پی شهردار تهران) و انجمن اسلامی پیرو سیاست دائمی و ضدانقلابی حزب جمهوری (مثلاً "هاشم پورپیمانکار نگهبانان) درجهت تهدید و جریمه نمودن کارگران مبارز، تحمیل کوتاه مدتی با حضور قسمتی از کارگران در سالن ورودی ساختمان مرکزی شرکت نفت صورت گرفت... کارگران مبارز گچساران در مبارزات خویش برای کسب خواسته‌های برحق و رفاهی و سیاسی با بدلا قل از تجربیات ۲۸ ماهه اخیرشان بهره گرفته و بدانند که با نامه نوشتن، جمع‌آوری طومار، تلگراف زدن، مراجعه به افراد و ارگانهای دولتی، دردی از آنها دوا نخواهد شد..... بنابراین باید مبارزات خود را برای تشکیل یک شورای واقعی ادامه دهند... باید با تشکیل مجمع عمومی کارگران برای انتخاب نمایندگان واقعی و انقلابی خویش و افشاء و طرد مدیریت، سرپرستان، انجمن اسلامی و نیروهای سرسپرده و سازشکار توده‌ای - جناح راست اکثریت اتحاد خویش را مستحکم نموده و مبارزات خود را ادامه دهند.

.... همشهریان مبارز زحمتکش گچساران! با حمایت از مبارزات برحق کارگران شرکت نفت صفوف خویش را متحدتر ساخته و در افشاء رژیم و نوکرانش بکوشیم."

* * *

## قزوین

عنوان اعلامیه‌ای که کارگران پیشرو قزوین منتشر نموده‌اند "تظاهرات انقلابی کارگران توسط رژیم جمهوری اسلامی بخون کشیده شد." میباشد. در این اعلامیه پس از شرح مبارزات کارگران و سرکوب وحشیانه آنان توسط پلیسداران سرمایه، خواسته‌ها و وظائف کارگران را بدین شرح اعلام میدارند:

۱- "آزادی بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده."

۲- برکناری طاهرخانی و محاکمه عاملین کشتار کارگران در دادگاهی با حضور نمایندگان واقعی کارگران

۳- دخالت نکردن سپاه پاسداران در امور کارخانجات "و در ادامه مینویسند" مسلم است که مبارزات کارگران برای دستیابی به خواسته‌های فوق تنها زمانی میسر است که مبارزات کارگران همه کارخانجات با یکدیگر و تحت رهبری واحدی پیش برده شود و این تنها از طریق انتخاب یک نماینده از هر کارخانه توسط شوراهای انقلابی و خود کارگران امکان پذیر است. این نمایندگان باید در یک اتحاد شورائی کارخانجات شهر صنعتی، مبارزات کارگران را برای خواستهای حق طلبانه‌شان رهبری نمایند و تا رسیدن به خواسته‌هایشان در سراسر کارخانجات دست به اعلام اعتصاب نمایند."

## نفت

کارگران پیشرو صنعت نفت در رابطه با زندانی شدن (عبدالامیر رورو ناصری و هادی اسدی حبس ابد، عبدالرسول بدیع منهاوی و مجید حسینی ده سال، حمشیدرحیمی پنج سال و شیخ زاده، مهماندوست، شاهپری و محیی که تاکنون وضع آنها مشخص نشده است) و اخراج نمایندگان و همکارانشان تراکتی منتشر نموده‌اند. متن این تراکت بدین شرح است: "رژیم جمهوری اسلامی ایران مدت زیادی است که: نمایندگان جنگزدگان صنعت نفت را به زندان انداخته است. نمایندگان شورای جزیره لاوان را از کار برکنار کرده است. نمایندگان و عناصر انقلابی پالایشگاه شیراز را با مطلاح پاکسازی کرده است. و از این طریق سیاستهای ضدکارگری و ضددموکراتیک خود را نشان داده است. کارگران مبارز صنعت نفت! با مبارزه بخاطر آزادی زندانیان صنعت نفت، بازگشت نمایندگان شوراها و انبرکار، بازگشت کارکنان مبارز پالایشگاه شیراز و خنثی کردن فعالیتهائی که برای درهم کوبیدن شوراها صورت می‌گیرد." اجازه ندهیم سیاست سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی در محیط‌های کارگری به اجرا درآید.

* * *

## ساری

"مبارزه متحد برای تشکیل شورای انقلابی ضامن پیروزی کارگران است" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو راه و ترابری منتشر نموده‌اند. در قسمتهائی از این اعلامیه چنین آمده است: "مبارزات کارگران مبارز ماشین آلات راه و ترابری ساری) از مدتها قبل برای دریافت حقوق عقب افتاده و حق ماموریت که بخشی از دستمزدشان بوده، ادامه داشته. اما مدیرکل (حلوائی) با فریب و نیرنگ از پرداخت حقوق حقه کارگران شانه خالی میکند... روز سه شنبه ۶۰/۳/۱۹ اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران شکل میگیرد... مدیر ماشین آلات (میر) کارگران را به از سرگرفتن کار دعوت میکند. او میکوشد با وعده و وعیدهای دروغین همچنان حقوق ابتدائی کارگران را پایمال کند... اعتصاب کارگران "ماشین آلات" قدرت اتحاد کارگران را نشان داد و تنها تشکل و حمایت ما از این مبارزات است که مدیران و دولت حامی آنان را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت. یکپارچه و پیگیر مبارزه برای تحقق خواسته‌هایمان را با تشکیل شوراهای انقلابی ادامه دهیم"

## چماقداری شاهنشاهی و چماقداری جمهوری اسلامی

"چماقداری شاهنشاهی و چماقداری جمهوری اسلامی" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو مهماتسازی منتشر نموده‌اند. در قسمتهائی از این اعلامیه چنین آمده است: "همه ما آخرین روزهای عمر ننگین رژیم منحوس شاهنشاهی را بیاد داریم..... در کارخانه ما نیز عناصر خودفروخته عده‌ای از کارگران ناآگاه را به خیابانها کشانده تا به نفع رژیم شاه به سرکوب مردم بپردازند..... حزب جمهوری اسلامی نیز به همان شیوه‌های کهن متوسل گردیده و دسته‌های چماقدار را به جان مردم انداخته است. در کارخانه ما نیز کانون اسلامی این ارگان سرکوب و توطئه و جاسوسی با کمک ایادی خود نظیر...، عده‌ای از کارگران ناآگاه را برای سرکوب توده‌ها و نیروهای انقلابی به خیابانها میکشانند..... اما توده‌ها ساکت نخواهند نشست. از تاریخ بیاموزیم، رودرروی توده‌ها قرار نگیریم. با طرد کانون اسلامی و با شرکت در تظاهرات نیروهای انقلابی بر علیه سیاست سرکوب و اختناق حزب جمهوری اسلامی بپاخیزیم. نابود باد انجمن‌های اسلامی این ارگانهای سرکوب و خفقان وابسته به حزب جمهوری اسلامی"

# باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۶

# تلاش رژیم ایجاد جو خفقان در مناطق مختلف

مراسم شب هفت سه شهیدی که در هجوم به مردم قرچک و رامین و سرکوب مبارزات آنها توسط مزدوران رژیم به شهادت رسیده بودند از طرف مأمورانه کمیته بهم خورده در یورش پاسداران به مردم قرچک در روز بیست و هفتم خرداد سه تن از اهالی مبارز قرچک کشته شدند. خانواده‌های آنها و گروهی دیگر روز سوم تیرماه برای مراسم شب هفت عازم بهشت زهرا می شوند که راه را بر اتوبوسهای حامل شرکت کنندگان در مراسم توسط کمیته چی ها بسته میشود. مأموران کمیته با تهدید و ارعاب اتوبوس ها را به قرچک باز می گردانند. این حرکت خشم توده‌ها را افزون تر ساخته است.

در حال حاضر جو پلیسی و اختناق به قرچک حاکم است. نیروهای آگاه و مبارز مورد حمله و هجوم قرار گرفته و دستگیر می شوند.

جو فشار و اختناق و تعقیب علاوه بر قرچک بر مناطقی مثل شهرری و دولت آباد نیز حاکم است. در این مناطق پاسداران و کمیته چی ها با گشت های مداوم خود با تعقیب نیروهای مبارز و مردم آزادیخواه، سعی دارند مردم را از شرکت در هرگونه حرکت مبارزاتی باز دارند. ما توده‌ها با گسترش روزافزون دامنه مبارزات خود مشت محکمی بر دهان این کوردلان مرتجع میکوبند.

گذشته از فشار پلیسی مزدوران رژیم در نقاطی که ذکر شد، دولت و ارگان های سرکوب آن در شهرهای کوچک و بزرگ میهنمان سعی می کنند رکود و خفقان را بر توده‌های مبارز تحمیل کنند. آنها در این راه از هیچ عمل وبیگردان نیستند از تعقیب و گشتن ماشین ها و خانه‌های مردم تا دستگیری و شکنجه و اعدام های گروهی بدون محاکمه، به هر کاری دست میزنند تا شاید بتوانند چند صباحی بیشتر در مسند قدرت بمانند. سیاست فشار و سرکوب از راههای گوناگون اعمال میشود و گشت های خیابانی یکی از مذبوحانه ترین انواع آن است. در هفته گذشته در چند نقطه تهران زنان و مردان حزب اللهی و پاسدار اقدام به گشتن کیف، لباس، و ماشین های عابرین کرده اند از جمله بعد از ظهر چهارشنبه سوم تیر در میدان فلسطین و پنجشنبه چهارم تیر در چهارراه معدل، دست به تفتیش مردم زده اند.

در هفته اول تیر خیابان نصرت منتهی به میدان توحید- را بسته اند و تمام اتومبیل ها را گشته اند.

روز هشتم تیر عابرین میدان انقلاب مورد تفتیش و گشت مزدوران رژیم قرار گرفته اند و اخیرا "مزدوران رژیم برای این اعمال ونیز شناسائی مبارزین از دختران فالانژ که برای این قبیل کارها دوره‌های مخصوص دیده اند، استفاده می کنند.

# اعلامیه اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط اخیر

اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط کنونی و گشتارو اعدامهای وحشیانه نیروهای انقلابی در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱ - اعلامیه‌ای منتشر ساخته اند.

در این اعلامیه ضمن محکوم کردن این جنایات میخوانیم:

"گشتارهای چند روز اخیر برگ ننگین دیگری است بر کارنامه رژیم جمهوری اسلامی. حمله به زندانها و با زداشتگاهها و کشتار وحشیانه جوانان بوسیله اسلحه گرم و سرد در خیابانها تنها گوشه‌ای از این جنایات است.

همچنین این اعلامیه ضمن اشاره به زندگی مبارزاتی رفقائی چون فدائی شهید سعید سلطانپور و شهید محسن فاضل که سالها با رژیم شاه و امپریالیزم مبارزه می کردند با دهها شهدای خلق را که توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده اند گرامی داشته است.

اتحاد ملی زنان در اعلامیه دیگری با اشاره به حوادث روزهای اواخر خرداد ماه نقش رژیم جمهوری را در سرکوب جنبش توده‌ها توسط ایادی چماقدار و پاسداران سرمایه افشاء نموده و با اشاره به شکنجه و کشتار و اعدام زنان و دختران مبارز خطاب به مردم مبارز می گوید:

"نسبت به فجایعی که رخ میدهد هشیار و نفرت و انزجار خود را نسبت به این پشیوه‌های ضدانسانی ابراز کنید".

# حمله به خانواده زندانیان در جلو زندان اوین

خانواده زندانیان زندان اوین که روز ششم تیرماه برای ملاقات و خبرگرفتن از حال فرزندان خود به جلو درزندان شتافته اوین رفته بودند با تیراندازی، گاز اشک آور و قنداق تفنگ و فحش و ضرب و شتم پاسداران سرمایه روبرو شدند، چند نفر زخمی و چند نفر نیز دستگیر شدند.

تعداد این افراد بین پانصد تا ششصد نفر بوده. فرزندان و نزدیکان آنها عمدتا" در رابطه با جریانات اخیر دستگیر و یا ناپدید شده بودند و هر خانواده‌ای پس از روزها تلاش و جستجو در کمیته‌ها و زندانهای دیگر، به کشتارگاه اوین رسیده بود. در بزرگ زندان مرتبا باز و بسته می شد و اتوبوسهای حامل پاسداران زن و یا زندانیان تازه رفت و آمد می کردند. جمعیت جلو باجه اطلاعات صف طویلی تشکیل داده بود یک پاسدار آنها را به محوطه باز جلو زندان دعوت کرد. مردم بعد از مدتی مقاومت، با غرولند و با رضایتی جلو پاسدار جمع شدند. پاسدار اسامی آزادشدگان و نیز زندانیان را که اکثرشان زن بودند، خواند. چند نفری که دیرتر رسیده بودند خواستند اسامی را دوباره بخواند اما پاسدار توجهی نکرد. در این میان خانواده‌ها شروع به اعتراض کردند و به درزندان هجوم بردند، از آنطرف هم شلیک گلوله‌های آمریکائی هم به هوا و هم بروی مردم گشوده شد، گاز اشک آور و پرتاب شدو شیرهای آب با فشار بروی مردم آب می پاشید. پاسداران ضدخلقی با این حرکات و با ایجاد جو وحشت، خانواده‌ها را تا جلو هتل اوین "بدرقه" کردند و این مردم که "بجرم داشتن فرزندان مبارز و انقلابی چنین مورد ضرب و شتم و حمله پاسداران رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند، بدون اطلاع از فرزندانشان و بدون دیدن آنها روانه خانه‌هایشان شدند.

اعلام "تعطیل شدن" زندان اوین و قطع ملاقات های زندانیان، همه در رابطه با همین جریان بوده است.

# پاسداران، دختری را از اتاق عمل برای اعدام بردند

در یکی از روزهای آخر خرداد ماه دختری را که یک چشمش تیرخورده بود برای معالجه به بیمارستان میبرند. این دختر در خیابان مشغول فروش نشریه پیکار بوده است که مورد حمله پاسداران قرار میگیرد. پاسداران دختر را وادار کرده بودند بگوید یکنفر میخواسته بمن تجاوز کند مرا باین روز انداخته است. پاسداران در بیمارستان میخواهند او را در اتاق عمل بشوند که پزشکان مانع شده و می گویند باید خارج اتاق بایستید، درگیری بین پاسداران و پزشکان و پرستاران درمی گیرد. دکترها نه حاضر بودند پاسدارها را به اتاق عمل راه بدهند و نه مریض را تحویل بدهند. بالاخره چند پاسدار با حکم دادستانی مبنی بر اینکه این دختر محکوم به اعدام است به بیمارستان می آیند، او را از زیر دست پزشکان خارج کرده و با خود میبرند.

**پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران**

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# بودجه ۶۰: گامهای بلند بسوی امپریالیسم (۲)

## جمهوری اسلامی نگهبان «ارثیه‌های ننگین»

بقیه از صفحه ۱

براساس لایحه بودجه سال ۶۰، کل هزینه‌های دولت بالغ بر ۳۳۰ میلیارد تومان برآورد شده است که عمدتا "به دو بخش هزینه‌های جاری (مانند پرداخت حقوق، اجاره و کلا "هزینه‌های نظامی و اداری) و هزینه‌های عمرانی (مانند ساختن راه، بندر، کارخانه و ...) اختصاص می‌یابد. در بودجه ۶۰ مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان به هزینه‌های عمرانی و ۲۰۵ میلیارد تومان به هزینه‌های جاری اختصاص داده شده است. البته باید متذکر شد که این نوع تقسیم‌بندی بصورتی است که میتوان بسیاری از اقلام را که جزء هزینه‌های جاری است به هزینه‌های عمرانی منتقل کرد و به این ترتیب بودجه عمرانی را بیش از آنچه که هست نشان داد. رژیم شاه برای عوامفریبی و نشان دادن این موضوع که سخت مشغول عمران و آبادی کشور است، با متورم کردن صوری بخش هزینه‌های عمرانی و نتیجتا "کاهش صوری هزینه‌های جاری، این شیوه بودجه‌نویسی را دنبال میکرد. این امر را میتوان در مورد بودجه ۶۰ نیز پی‌گیری کرد و نشان داد که هزینه‌های عمرانی بیشتر از آنچه هست برآورد شده است، لیکن بودجه ۶۰ در کلیت خود چنان افتضاح آمیز است که میتوان براحتی از این نوع تقلب کاری‌های بودجه‌نویسی گذشت و بررسی هزینه را بهمان ترتیبی که در لایحه بودجه پیش بینی شده، دنبال کرد.

در حقیقت فضاحت بودجه ۶۰ در تشدید وابستگی و فلاکت زحمتکشان چنان اظهر من الشمس است که دولتمردان جمهوری اسلامی ناچار به اعتراف آن می‌باشند. لیکن اعتراف هیئت حاکمه نه براه صداقت در بیان کمبودها بمنظور مرتفع نمودن آنها و بیان واقعیات به توده‌ها صورت میگیرد، بلکه اعتراف آنها اعترافی مزورانه برای فریب توده‌ها، ساکت کردن آنها و پنهان داشتن سیاست‌های ضدخلقی خود می‌باشد که در تداوم سیاستهای رژیم شاهنشاهی قرار دارد.

هیات حاکمه در توجیه بودجه ۶۰ و هزینه‌های آن میگوید: "این ارثی است که از رژیم شاهنشاهی بما رسیده"، "ما ناچار به قبول اکثر این هزینه‌ها هستیم"، "ما راه دیگری نداریم". در همین زمینه رجائی میگوید: "فرم این بودجه طاغوتی است یعنی اگر انقلاب نشده بود همین بودجه میرفت .... ما الان اجبار داریم در ادامه طرحهائی که در دوره طاغوت ریخته شده" (کیهان ۶۰/۲/۳۰). و بالاخره چی؟ آنها استدلال میکنند که "یکشبه نمیتوان اوضاع را تغییر داد" و برای تدوین بودجه‌ای "اسلامی" ابتدا باید شرایط لازم فراهم شود.

رژیم با این بهانه که یک شبه نمیتوان اوضاع را تغییر داد، به بازسازی نظام سرمایه‌داری (البته بشیوه‌ای "مکتبی") میپردازد. در قسمت درآمدها دیدیم که چگونه رژیم سال به سال اقتصاد ورشکسته ایران را بیشتر به اقتصاد تک محصولی یعنی فروش نفت سوق داده و چگونه از درآمدهای حاصل از نفت جیب سرمایه‌داران و بویژه تجار را پر میکند. و باز دیدیم که سیستم درآمدهای مالیاتی را چگونه به زیان کارگران و کارمندان جزء و بنفع سرمایه‌داران بکار گرفته است. در آنجا هم استدلال این بود که "ناچاریم" "این ارثیه ننگین رژیم شاهنشاهی است" در قسمت هزینه‌ها، اعم از عمرانی و جاری سیاست حکومت باز "بناچار" همان است، یعنی نگهبانی از "ارثیه ننگین شاهنشاهی".

بیش از ۹۰ درصد از کل بودجه عمرانی سال جاری، به ادامه و تکمیل پروژه‌هائی اختصاص یافته که در برنامه پنجم رژیم سابق پیش بینی شده بود. رجائی و دیگر سران رژیم پنهان نمیکنند که "برنامه‌های ما ادامه همان برنامه‌های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری برنامه پنجم رژیم گذشته هستیم" (میزان ۶۰/۳/۱۰). جالب اینجاست که سران حکومتی خود اذعان میکنند که برنامه‌ریزان رژیم گذشته "تنها مجریان دستورات و برنامه‌های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکائی بوده‌اند" (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۶) و حال رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای "مرگ بر آمریکا"، "دستورات و برنامه‌های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکائی" را به پیش می‌برد و به مرمت "ارثیه ننگین" گذشته میپردازد. مضحکه غریبی است مبارزات "ضدامپریالیستی" حکومت!

هیات حاکمه هرچقدر که به امپریالیستها نزدیکتر میشود، بیشتر به آنها فحش میدهد از اینرو در سال ۶۰ باید در انتظار شعارهائی کوبنده‌تر (!) ضدامپریالیستی از طرف حکومت بود!

بهرحال، حکومت "بناچار" مجری برنامه‌های رژیم گذشته و از آنجمله اتمام برنامه پنجم میباشد. یعنی بازسازی نظامی که توده‌ها با قیام خود به آن ضربه زدند و قصد نابودی آنرا دارند. ادامه برنامه‌های رژیم گذشته یعنی ترمیم موقعیت ایران در تقسیم کار جهانی امپریالیستی که با فروش نفت، ایجاد شرایط مساعد جهت صدور سرمایه‌های مولد (مونتاژ) و گسترش بازار برای کالاهای امپریالیستی مشخص میشود. قبلا" دیدیم که رژیم چگونه در جهت فروش اضافی نفت و ورود کالاهای امپریالیستی تحت عنوان تامین درآمدها (البته بناچار) چهارنعل به پیش میرود. و در اینجا نیز حکومت با تمدید قرارداد با شرکتهای امپریالیستی نظیر مزدا، تالبوت، جنرال موتورز، شرکت‌های پتروشیمی ژاپنی و غیره، در جهت پذیرائی از سرمایه‌های "اجنبی" و ایجاد شرایط مساعد برای آنها با نرخ سود فوق العاده تحت عنوان دروغین "اجرای طرحهای اشتغال زا" به پیش میرود.

• • •

## غول بوروکراسی در خدمت امپریالیسم

در زمینه هزینه‌های جاری، یعنی هزینه‌های ارگانهای سرکوبگر حکومت (اعم از نظامی و اداری) رژیم باز "بناچار" عهده‌دار مراقبت از غول بوروکراسی نظامی شاهنشاهی، که به "ارث رسیده است" میباشد. والحق که در این راه با تمام توان نه تنها در بازسازی آن کوشش میکند بلکه با افزایش هزینه‌های نظامی و اداری در عظیم‌تر کردن آن نیز میکوشد. هزینه‌های جاری سال ۶۰ مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان برآورد شده که ۳۱ درصد از عملکرد هزینه‌های جاری سال ۵۹ بالاتر است. لازم است این نکته را متذکر شویم که این افزایش هزینه‌های جاری در حالی پیش بینی شده که دستمزد کارگران و حقوق کارمندان در سال جاری ثابت فرض شده و اگر دقیقتر بگوئیم دستمزدها و حقوق‌های واقعی با توجه به نرخ رشد یابنده تورم بشدت کاهش یافته است. پس این افزایش هزینه‌های جاری از کجا ناشی میشود؟

دولت برای حفظ و بازسازی نظام احتیاج به یک دستگاه بوروکراتیک نظامی سربفرمان دارد. پس از قیام بهمن ماه، کارمندان و نظامیان رده‌های پائین همگام با توده‌های مردم با تشکیل شوراها در جهت داغان کردن سیستم گذشته و از کار انداختن دستگاه بوروکراسی و نظامی که در خدمت سرمایه‌داران و امپریالیستها قرار داشت، به پیش رفتند. اما در این جا نیز حکومت با یورش به شوراها و سرکوب آنها غول بوروکراسی را تحت مراقبت خود درآورد. رژیم مزورانه تحت عنوان "مبارزه با غول بوروکراسی" به تصفیه عناصر مترقی پرداخت و با جایگزین کردن عناصر "مکتبی" بجای تصفیه شدگان به بازسازی دستگاه بوروکراتیک مطیع همت گماشت. بنابراین از این نقطه نظر هزینه‌های جاری که حکومت وعده کاهش آنرا داده بود، همچنان بهمان میزان قبلی باقی ماند. اما حکومت به این مقدار نیز بسنده نکرد و با ایجاد نهادهای بوروکراتیک و سرکوبگر جدید، همچون سپاه پاسداران، کمیته‌ها و انواع مختلف بنیادها، در کنار و بموازات دستگاههای سابق که همین وظایف را بعهده داشتند، هزینه‌های جاری را بشدت افزایش داد.

در عین حال، افزایش هزینه‌های جاری امسال با سال ۵۹ ابدا "قابل مقایسه نیست. رژیم برای استقرار "قانون" در سال ۶۰ یعنی برای تثبیت حاکمیت ضد خلقی خود، بیش از پیش نیاز به ایجاد جو اختناق و سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها دارد. رژیم

بقیه در صفحه ۸

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ آبـــر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۸

# بودجه ۶۰ و تلهای بلندپروازانه امپریالیستها

بقیه از صفحه ۷

برای نزدیکی بیشتر با امپریالیستها، برای عقدقرارداد با شرکتهای امپریالیستی، برای ایجاد شرایطی جهت چپاول خلق به دست استثمارگران چاره‌ای جز سرکوب توده‌ها در پیش روی ندارد. یک قسمت از افزایش هزینه‌های دولت را باید در این رابطه جستجو کرد.

در سال ۶۰ هزینه‌های ارگانهای مستقیم سرکوب افزایش نشان میدهد. این افزایش در هزینه‌های مربوط به ارتش سپاه، هزینه‌های مربوط به حفظ نظم و امنیت و تقویت پلیس قضائی کاملا" مشهود است. مثلا" در قسمت هزینه‌های امور قضائی در بودجه ۶۰ چنین آمده است که "به دلیل استخدام پلیس قضائی و کارآموزان قضائی و نهایتا "به جهت تقویت قوه قضائیه و برقراری امنیت قضائی در کشور بودجه قوه قضائیه ۴۰% افزایش یافته است". از ابتدای سال جاری با نمونه‌های بسیاری از استقرار "قانون" و "برقراری امنیت قضائی در کشور" مواجه بوده‌ایم. از این قبیل است کشتار وحشیانه کارگران شهرک البرز و اعدامهای سبعانه اخیر رژیم.

حکومت بمنظور سرکوب عریان توده‌ها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بانه قرارداده و هزینه‌های بازسازی ارتش و تقویت دیگر ارگانهای سرکوب را از قوت لایموت توده‌ها تامین میکند. بیهوده نیست که هیات حاکمه میگوید: جنگ نعمت است. آری جنگ برای امپریالیستها و متحدان داخلی آنها نعمت و برای زحمتکشان نکبت است.

اگرچه در سال جاری، رژیم عمدتا "به سیاست سرکوب متوسل شده است، لیکن درکنار آن سیاستهای عوامفریبانه‌ای را نیز برای منحرف کردن اذهان توده‌ها از ماهیت ارتجاعی خود و به انحراف کشاندن و احتمالا" تطمیع اقشاری از مردم را پیشه کرده است. به بیان دیگر، حکومت برای بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته اصلاحاتی جزئی و دادن امتیازاتی از آن جزئی تر را وعده کرده که این خود به افزایش نسبی هزینه‌ها منجر شده است. برای مثال، حکومت با تبلیغات گسترده وعده کرده است که به روستائیانی که بالاتر از ۶۰ سال دارند، ماهی ۳۰۰ تومان بصورت کمک پرداخت میکند. حکومت به این وسیله میخواهد خود را طرفدار دهقانان و انمود کند و آنها را به پشتیبانی خود فرا خواند. درحالیکه همین حکومت با حمایت قاطع از زمینداران به سرکوب مبارزات دهقانی پرداخته، شوراهای دهقانی را سرکوب میکند، و صدها زمین اراضی زمینداران بزرگ را که بوسیله دهقانان انجام میشود، "غصب" نامیده و با تمام توان در مقابل آنها می‌ایستد و حتی از اجرای اصلاحات ارضی نیم بند خود، یعنی اجرای بند "ج" و "د" از قانون واگذاری زمین نیز شانه خالی میکند. این نمونه اصلاحات و کمک به "مستضعفین" را به این دلیل بیان کردیم که هیات حاکمه حول پرداخت ۳۰۰ تومان در ماه به کشاورزان بالاتر از ۶۰ سال بسیار سروصدا راه انداخت، و آنرا بعنوان دستاوردی بزرگ و انسانی تبلیغ کرد. حال ببینید بقیه اطلاعات و امتیازات رژیم که در بودجه ۶۰ وعده آنها داده شده است چقدر عوامفریبانه و کاذب می‌باشد.

* * *

آنچه که در مورد میزان هزینه‌ها عنوان شد، براساس داده‌های بودجه ۶۰ می‌باشد. اما همانطور که در قسمت درآمدها دیدیم که ارقام بودجه با واقعیات اقتصادی مطابقت ندارد و درآمدهای وصولی بسیار کمتر از درآمدهای پیش‌بینی شده خواهد بود، در قسمت هزینه‌ها نیز ارقام ارائه شده با آنچه که واقعا" انجام خواهد پذیرفت منطبق نیست. در مورد هزینه‌های عمرانی، مهندس سحابی میگوید که بیش از ۶۰ درصد بودجه عمرانی قابل هزینه شدن نیست. یعنی با توجه به بحران موجود اقتصادی، ظرفیت جذب این مقدار هزینه‌های عمرانی موجود نمی‌باشد. برعکس، در مورد هزینه‌های نظامی و بوروکراسی بنا بدلائلی که فوقا" مطرح شد، با ارقامی بالاتر از آنچه که در بودجه پیش بینی شده، روبرو خواهیم بود. عملکرد هزینه‌های دولت در ۹ ماه اول سال جاری در این مسیر قرار دارد. هزینه‌های جاری فروردین ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل ۸۵/۷ درصد افزایش نشان میدهد و در مورد اردیبهشت ماه ۴۹ درصد.

به این ترتیب در عملکرد بودجه ۶۰ شاهد شکافی گسترش یابنده بین درآمد و هزینه‌ها خواهیم بود، یعنی درحالیکه درآمدها بمیزانی کمتر وصول میشود، هزینه‌ها از حد آنچه که پیش بینی شده فزونی خواهد گرفت، که این امر نشانه کسری عظیم بودجه در سال ۶۰ خواهد بود.

## تبصره‌های بودجه یا اجازه‌نامه رسمی قدرقدرتی حزب جمهوری اسلامی

خلاصه کلام آنکه بودجه ۶۰ بازتابی است از سیاستهای حزب حاکم در سال ۶۰. حزب در جهت بازسازی نظام سرمایه‌داری از یکطرف هرچه بیشتر به امپریالیستها نزدیک میشود و از طرف دیگر به تشدید سرکوب و ایجاد خفقان می‌پردازد. با این وجود حزب در تنگنا قرار دارد. شکسته شدن توهم توده‌ها نسبت به شعارهای توخالی حزب و درک واقعیات، موقعیت حزب را بیش از پیش متزلزل ساخته است. بدین خاطر حزب برای اعمال سرکوب متمرکز مبارزات توده‌ها و سلب هرگونه آزادی به قدرتی متمرکز و دستگاههای دولتی نیاز دارد. تدوین "تبصره‌های بودجه ۶۰ در حقیقت گامی است برای کسب قدرت مطلق.

تبصره‌های بودجه چنان تنظیم شده که اختیارات تامی به مجریان حکومتی واگذار میکنند تا بهر صورت که بخواهند بدون هیچگونه حساب و کتابی خرج کنند. براساس این تبصره‌ها به وزراء و استانداران اختیار ۲۰ درصد جابجائی اقلام و ۲۰ الی ۲۵ درصد هم اجازه خرج بدون پیروی از قانون محاسبات عمومی داده شده است. بدین ترتیب علاوه بر بودجه‌های سری که در اختیار رجمبران حکومتی می‌باشد بمیزان ۴۰ تا ۴۵ درصد از کل هزینه‌ها نیز در اختیار آنها قرار گرفته است. سرپرست سازمان برنامه و بودجه در توجیه این سیاست میگوید: "چون پولها توسط افراد مؤمن و امین انقلاب به مصرف میرسد مسئولیت شرعی بجای مقررات قرار میگیرد" (کیهان ۶۰/۲/۱۶). البته نمونه روشنی از این شیوه عرضه را در بنیاد مستضعفان تجربه کرده‌ایم و عملکردهای مفتضحانه آن را همه بیاد داریم.

بهرحال این سیاست حزب چندان هم بی دلیل نیست. باید دست زعمای قوم را در پیشبرد سیاستهای حزب در همه زمینه‌ها از جمله سرکوب توده‌ها که هزینه برمیدارد، باز گذاشت. مخارج سازماندهی باندهای سیاه حزب اللهی چیزی نیست که بشود آن را بطور صریح در بودجه منعکس نمود و تحت قانون محاسبات عمومی در آورد.

## دستگیری‌های وسیع در سنقر کلیائی

پس از شنیده خونین سی ام خرداد و تظاهرات خشم آمیز آن در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر میهنمان، ماموران رژیم در سنقر کلیائی نیز دست به شیوه‌های پلیسی ارعاب و تعقیب و دستگیری زدند و در فاصله چند روز، چهل و هشت نفر از نیروهای مبارز سنقر را دستگیر کردند. در میان دستگیر شدگان شش هوادار اکثریت نیز وجود داشتند که بعد از چند ساعت آزاد شده‌اند. بیشتر دستگیر شده‌گان را به زندانهای بندرعباس و برازجان انتقال داده‌اند.

**رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است**

# خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

آیت الله خمینی از همان ابتدا که بر اثر شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جنبش خلق توانست بر موج نارضایتی فزاینده خلق سوار شود وعده های بسیاری به مردم داد. توده های خلق تحت فشار اقتصادی گرسنگی، فقر و فلاکت، بی خانمانی و در مقابل سرکوب، اختناق، کشتار و سانسور بپا خواستند و خمینی نیز در غیاب رهبری طبقه کارگر به آن دلیل توانست بر جنبش توده ها سوار گردد و در راس آن باقی بماند که در مقابل خواستهای مادی توده ها وعده و وعیدهای مناسب را بکار گرفت.

با بررسی مسیر جنبش خلق و سخنان و مصاحبه های خمینی بخوبی روشن میگردد که مردم نه بخاطر معنویات و اسلام و نه بخاطر نشاندن روحانیت بر تخت قدرت، بلکه بدنبال خواستهای مشخص مادی قیام کردند. آیت الله خمینی قبل از قیام (و مدتها پس از آن نیز) از جمهوری اسلامی آنچنان بهشت موعودی در ذهن توده ها ترسیم کرد که در آن به تمامی خواستهای مادی آنان پاسخ داده خواهد شد. بهشتی که در آن "کوخ نشینان" "کاخ نشین" و یا حداقل آپارتمان نشین خواهند شد. "مستضعفین" به خواستهایشان خواهند رسید از فقر، گرسنگی، بیکاری، از سرکوب و اختناق و سانسور خبری نخواهد بود و... از اینرو بود که آیت الله خمینی توانست با استفاده توهمات مذهبی توده ها پایه های رهبری خود را مستحکم گرداند.

اما جمهوری اسلامی در عمل و در دنیای واقعیات چیزی به جز سرکوب و کشتار، گرسنگی و فقر، آوارگی و بی خانمانی، بیکاری و سرگردانی برای خلق به بار نیاورد. هرچند که خمینی و سایر رهبران باز هم کوشیدند به ارائه وعده و وعیدهای خود توهم توده ها را حفظ کنند اما واقعیات روز بروز بیشتر توهمات توده ها را میزداید. واقعیات بیش از پیش خمینی را وادار میکند که به شکل مستقیم و علنی رو در روی توده ها قرار گیرد.

بررسی شیوه های برخورد آیت الله خمینی در قبل و بعد از قیام خلق به خواستهای توده ها، بیش از پیش به روشن شدن ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد. باید در نظر داشت که آیت الله خمینی در قبل از قیام تنها بیانگر و توصیف کننده جمهوری بود که در مقابل رژیم سلطنتی به توده ها قبولانده شد و پس از قیام نیز بعنوان بیان کننده خط محوری حرکت های رژیم قابل بررسی و برخورد است.

ما در یک سلسله مقالات خواهیم کوشید با مقایسه وعده ها و عملکردهای خمینی با یکدیگر بیش از پیش به افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک رسانیم.

* * * *

## آیت الله خمینی، وعدهٔ آزادی، حکومت اختناق

یکی از خواستهای مشخصی که توده ها در جهت برآورده شدن آن به جنبش روی آوردند آزادی بود. توده ها بپا خاستند تا اختناق و خفقان حاکم در رژیم شاه را براندازند، بپا خاستند تا سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون و سانسور کتب و نشریات را براندازند، بپا خواستند تا ساواک و سایر ارگانهای سرکوبگر رژیم را نابود کنند و با تکاء به نیروی خلق آزادی سیاسی را برقرار سازند. همه دیکتاتوری سیاه محمدرضا شاهی را بخاطر داریم. همه بیاد داریم که چگونه کارگران حق کوچکترین تشکلی را نداشتند، چگونه کوچکترین خواسته و اعتراض با شدیدترین وجه سرکوب میشد. چگونه ساواک سلطهٔ خود را بر همه جا گسترده بود، چگونه هر اعتراضی به زندان و شکنجه منجر میگشت، انشاء نوشتن محکومیت داشت و کتاب داشتن اعدام، چگونه تمامی روزنامه ها تحت سانسور سیاه و در قبضه رژیم بود، چگونه رادیو تلویزیون در مدح شاه جلاد به دروغپردازی و تحریف میپرداخت، چگونه دانشجویان مبارز به خون کشیده میشدند، انقلابیون در سیاهچالها شکنجه میشدند و خلق بر اثر اعتراض کشتار میشد. توده ها برضد این اختناق و دیکتاتوری سیاه بود که بپا خواستند و یکی از مهمترین خواستهایشان نیز آزادی بود.

آیت الله خمینی بخوبی به این خواست توده ها واقف بود. خمینی بخوبی میدانست توده هایی که سالها در زیر اختناق و سانسور سیاه بسر برده اند خواهان آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و.... هستند. از اینرو او میگوید: "علت تظاهرات کارهایی است که شاه در این مدت کرده است مردم از اختناق و کشتارها ناراضی و تظاهرات رو به ازدیاد است" (مصاحبه با رادیو تلویزیون هلند ۱۴ آبان ۵۷) و همچنین آیت الله خمینی مردم ایران در دورهٔ شاه را "انسانی که امروز در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کار محروم شده است" مینامد (مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل ۱۶ آبان ۵۷) و میگوید "مطبوعات و کلیه وسایلی که باید به وسیله آن تبلیغ شود در این ۵۰ سال در اختیار شاه بوده است، تمام اشکال آزادی از ملت ما سلب شده است" (مصاحبه با تلویزیون فرانسه کانال یک ۵/۲ آبان ماه ۵۷) آیت الله خمینی نه تنها در تمامی این سخنان خود بطور ضمنی وعدهٔ یک حکومت آزاد و دمکراتیک، حکومتی که در آن از اختناق و کشتار خلق خبری نیست، حکومتی که در آن فعالیتهای فکری آزاد است و حکومتی که در آن "تمام مطبوعات و کلیه وسایلی که باید به وسیله آن تبلیغ شود" در دست یک "شاه" متمرکز نیست را میدهد، بلکه با آگاهی کامل به خواستها و تمایلات دمکراتیک توده ها جمهوری اسلامی را به شکل دمکراتیک ترین و آزادترین رژیمها تصویر میکند تا بدین طریق توده های متوهم را بدنبال خود بکشاند. او میگوید "با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دمکراسی و جمهوری اسلامی برقرار میشود" (مصاحبه با تلویزیون آمریکائی سی - بی - اس ۱۵ آبان ۵۷) و تاکید میکند در جمهوری اسلامی "انسانی که امروزه در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کار محروم شده است، تمامی اسباب ترقی واقعی و ابتکار را بدست خواهد آورد" (مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل ۱۶ آبان ۵۷).

خمینی حتی پا را فراتر میگذارد و در جهت فریب، در جهت جلب تمامی اقشاری که خواستار آزادیها و حقوق دمکراتیکند وعدهٔ هرگونه آزادی را میدهد. او در جواب این سئوال که "آیا در حکومت اسلامی مارکسیستها دارای آزادی عقیده و بیان عقیده" و همچنین "آزادی انتخاب شغل" هستند میگوید "در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند" "در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی برحسب ضوابط قانونی محفوظ است" (مصاحبه با نماینده سازمان عفو بین المللی ۱۹ آبان ۵۷) خمینی به اقلیتهای مذهبی نیز وعدهٔ همه نوع آزادی را میدهد و میگوید "دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت های مذهبی آزادی بطور کامل هست. و هرکس میتواند اظهار عقیده خویش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را بر عهده دارد" (مصاحبه با خبرنگار ایتالیایی ۱۱ آبان ماه ۵۷) خمینی میگوید "دولت اسلامی تمام منطقها را با منطق جواب میدهد" (همانجا) آیت الله خمینی حتی آزادی مطبوعات را تضمین میکند و میگوید "مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند، هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر

بقیه در صفحه ۱۲

**مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست**

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۰

# دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا قاطعانه از کشت و برداشت شورائی دفاع میکنند

## دهقانان ترکمن:
## ما همه با هم هستیم و محصول را شورائی برداشت می‌کنیم.

همزمان با فرارسیدن فصل برداشت محصول، ترکمن صحرا هر روز شاهد هجوم - مسلحانه‌ی عوامل رژیم به روستاها و مقاومت و ایستادگی یکپارچه دهقانان زحمتکش این منطقه است. دهقانان با اتحاد خود، از شورا و کشت و برداشت شورائی دفاع می‌کنند و به مزدوران رژیم و زمینداران بزرگ اجازه نمی‌دهند محصول یکسال زحمت آنها را تاراج کنند.

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون تلاش بسیار کرده است که دهقانان ترکمن صحرا را با فریب و سرکوب متوقف و متلاشی کند. اما دهقانان ترکمن صحرا که قبل از قیام بهمن ما ۵۷۰ و پیش از سایر توده‌های دهقانی ایران، به حرکت درآمده به مصادره انقلابی زمینهای فئودالها، و تشکیل شوراهای واقعی خویش دست زده و تاکنون تجربه‌های خونباری را از سر گذرانده‌اند، همراه عناصر انقلابی و مبارز از دستاوردهای خویش در برابر یورشهای ضدانقلابی رژیم جمهوری اسلامی به انحاء گوناگون دفاع می‌کنند. عوامل رژیم در آغاز این فصل به زور ژ-۳ و کمک های خائنانه و ضدشورائی، شوراهای فرمایشی که در پی سرکوبی شوراهای واقعی در آغاز سال ۵۹ ساخته شدند، به روستاها رفته از دهقانان می‌خواهند که اولاً "محصول را به طور شورائی برداشت نکنند، ثانیاً" محصول به سیلوهای دولت ریخته شود. علاوه بر آن دهقانان باید ۲۰٪ هم به صندوق دولت محصول بدهند تا در مقابل ۲۰۰ کیلو گندم، ۲۰۰ کیلو جو به دهقانان داده شود.

دهقانان به طور آشکار می‌بینند که رژیم با کمک شوراهای فرمایشی قصد دارد جلوی برداشت شورائی را بگیرد تا در پی آن زمینها را هم از دست آنها به در آورد. دهقانان تقریباً "در همه روستاها ضمن اعتراض شدید به این سیاست رژیم، متحد و مقاوم برخواسته‌های خود پافشرده و به تهدیدها و هشدارهای عوامل رژیم تن در نمی‌دهند.

چند نمونه از مقاومت دهقانان - زحمتکش ترکمن صحرا را در زیر می‌آوریم:

### روستای یارتی قایه

این روستا در ۴۵ کیلومتری گنبد قرار دارد، جمعیت آن ۷۰۰ نفر، ۸۵ خانوار است. دهقانان این روستا در اوایل قیام، زمینهای فئودالها را مصادره کرده و کاشت و برداشت شورائی را برپا داختند، سرکوبهای مکرر نتوانست دهقانان را از کار و حرکت خود باز دارد و آنها را همچنان به کشت شورائی زمین آماده داده و امسال هنگامی که قصد داشتند محصول جو و گندم - جها رصد هکتار زمین خود را برداشت کنند شوراهای فرمایشی از دهقانان می‌خواهند که: ۱- محصول به سیلوی دولت ریخته شود؛ ۲- ۲۰ درصد به صندوق دولت واگذار شود، ۳- به هر سهم از زمین ۲۰۰ کیلو گندم ۲۰۰ کیلو جو داده شود.

گردانندگان شورای فرمایشی یارتی قایه که با مقاومت دهقانان روبرو شدند از پاسداران سرما به کمک طلبیدند و آنها را به روستا آوردند. اما تهدیدها، وارعابهای پاسداران و شورای فرمایشی و سایر عناصر ضد دهقانی، کارساز نمی‌شود و دهقانان به کار خود ادامه می‌دهند. آنها در جواب ارا جیف و سخن پراکنی‌های صادق زاده مسئول هیئت کشت زمین می‌گویند: "ما خود مان زمینها را مصادره کردیم، خود مان کشت شورائی کردیم، حالا هم خود مان برداشت شورائی می‌کنیم." عوامل رژیم حریصانه اعمال ضد دهقانی خود را به پیش می‌برند تا به هر ترتیبی، دهقانان را به تسلیم وادارند، اما همواره با مقاومت متحدانه و سرسختانه‌ی دهقانان مواجه شده و هدفها و نقشه‌هایشان نقش بر آب می‌شود و سرانجام دهقانان پس از یک نزده روز - مقاومت و ایستادگی در مقابل زورگوئی عوامل رژیم و مدافعان زمینداران بزرگ محصول را عادلانه بین خود تقسیم می‌کنند.

### روستای بی بی شیروان

در این روستا که در ۴۵ کیلومتری گنبد واقع شده و دو هزار نفر جمعیت دارد دهقانان با تشکیل شورای خود ۷۰۰۰ هکتار زمین را مصادره کردند و به کشت و برداشت شورائی پرداختند، بعد از سرکوب شوراها. در سال ۵۹، روستائیان زحمتکش بی بی شیروان، زیر بار شوراهای تحمیلی و فرمایشی نرفته و کماکان شورای واقعی خود را حفظ کردند. دهقانان در سال ۵۹، حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین را به صورت شورائی زیر کشت بذر و گندم و جو بردند و محصول آنرا به طور عادلانه بین خود تقسیم کردند. امسال نیز کشت شورائی را ادامه دادند. اما حالا که فصل برداشت محصول شده است دولت به آنها فشار آورده که نباید محصول را بدون اجازه دولت برداشت کنند و هم چنان که در خبر مربوط به روستاهای یارتی قایه آمد، دولت دهقانان را موظف کرده که محصول را به سیلو ریخته، ۲۰٪ به صندوق دولت بدهند و در مقابل برای هر سهم ۲۰۰ کیلو گرم گندم و ۲۰۰ کیلو گرم جو بگیرند. اما دهقانان زحمتکش بی‌اعتنا به اخطارهای دولت برداشت شورائی را در اوایل خرداد شروع کردند. جاشهای سپاه و هیئت کشت زمین بلافاصله به ارگانهای محلی خبر رساندند و در پی آن پاسداران مسلح به روستا ریخته و کار را متوقف کرده و اعضای شورای واقعی را نیز دستگیر کردند. دهقانان از پای ننشسته، متحد و مقاوم به حرکت خود ادامه دادند و ضمن آزادی نمایندگان خود، برداشت شورائی را نیز به پایان رساندند.

### روستای مجید حاجی

در این روستا صادق زاده مسئول هیئت کشت زمین به حیله‌ی دیگری متوسل شد. او با سخنرانیهای نفاق افکنانه قصد داشت، بین دهقانان زحمتکش سیستانی و ترکمن کینه و دشمنی بیندازد تا به زعم خود از برداشت شورائی جلوگیری کند. اما جملگی دهقانان این روستا، اعم از سیستانی و ترکمن یکصدا به صادق زاده اعلام می‌کنند، "ما با هم هستیم و به طور شورائی محصول را برداشت می‌کنیم."

### چپاول محصول در چند روستا

در روستاهای بدرآق ملا، و شیخ موسی نیز شوراهای فرمایشی تلاش کردند تا از برداشت شورائی دهقانان جلوگیری کنند، این شوراها که مزدور و مجری برنامه‌ها و اعمال ضد دهقانی و ضد انقلابی حاکمیت هستند، روستاهای مذکور ضمن دستگیری عناصر مبارز و آگاه روستا مقاومت‌های چند روزه دهقانان را به زور اسلحه به شکست کشانده و حاصل دسترنج آنها را طبق همان سیاستهای اعلام شده چپاول و غارت کردند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش

## آلمان حمله پلیس فاشیستی

### آلمان به زاغه‌نشینان

دو ماه پیش خبر حرکت انقلابی زاغه نشینان برلن در تسخیر خانه‌های خالی سرمایه‌داران و سکونت در آنها را در کار درج کردیم. این حرکت انقلابی وحشت مرگباری را برای سرمایه‌داران در پی داشت دولت امپریالیستی و پلیس سرکوبگر آلمان برای جلوگیری از گسترش این حرکت انقلابی به سرکوب فاشیستی زحمتکشان زاغه نشین و جوانان مدافع آنها دست زد. هفته گذشته نیز مانند ماه پیش نیروهای پلیس جهت بیرون راندن زاغه‌نشینان از خانه‌های سرمایه‌داران به آنها یورش برد. این حمله وحشیانه با مقاومت دلیرانه زاغه نشینان روبرو شد و طی درگیریهای مذکور ۱۴ پلیس زخمی و ۱۷۳ تظاهرکننده دستگیر شدند. جوانان مبارز برلن برای اعتراض به دستگیریها و سرکوب زاغه‌نشینان دست به ایجاد راه‌بندان و سنگرهای خیابانی زدند و به مقابله با پلیس سرکوبگر پرداختند.

## عراق توسط مبارزان کرد عراقی

### ۵ آلمانی به گروگان گرفته شدند

اتحادیه میهنی کردستان که رهبری مبارزات ترقیخواهانه کردستان عراق را بعهده دارد طی اطلاعیه‌ای در هفته گذشته خبر داد که واحدهای رزمنده این سازمان ۵ مهندس و تکنسین آلمانی وابسته به شرکتهای امپریالیستی را در منطقه کرکوک واقع در شمال عراق به گروگان گرفته‌اند.

اتحادیه میهنی اعلام داشت که حاضر است شرایط ملاقات خانواده گروگانها را با آنها، در مناطق آزاد شده کردستان عراق فراهم آورد. این سازمان همچنین شرایطی را برای آزادی گروگانها اعلام داشته است که در ۶ مورد خلاصه میشود:

۱ - دولت آلمان باید از اقدامات و اعمالی که تاکنون در جهت پشتیبانی از تروریسم دولتی رژیم عراق انجام داده از جمله عدم مجازات مزدوران بعثی را که به مراکز تجمع ترقیخواهان کرد در آلمان حمله کرده بودند، رسماً معذرت خواهی کند. ۲ - آلمان باید فروش جنگ افزار به دار و دسته حاکم بر عراق را متوقف نماید. ۳ - آزادی ۲۷ رزمنده کرد که در زندانهای بعثی در انتظار اعدام به سر می‌برند. ۴ - آزادی ۴ دانش‌آموز که علیرغم سنین پائین‌تر از ۱۳ سال مدتهاست در اسارت رژیم بسر می‌برند. ۵ - آزادی خانواده پیشمرگانی که با تهام داشتن فرزندان انقلابی در اسارت بسر می‌برند. ۶ - پرداخت ۵ میلیون مارک آلمانی از طرف شرکتهای انحصاری به خانواده شهدای کردستان عراق وابسته به اتحادیه میهنی.

## السالوادور یک تصویر از دهها و صدها نمونه جنایت و وحشیگری رژیم حامی سرمایه‌داران علیه خلق و فرزندان انقلابی آن

رشد و گسترش مبارزه انقلابی در السالوادور همانند میهن ما ایران پرده‌های ریا و تزویر رژیم کودتا را کنار زده و چهره ددمنش او را نمایان ساخته است. او نیز آشکارا به شکنجه و اعدام کودکان و خردسالان دست می‌زند و هیچ پروائی از اعتراف به جنایتهای خویش ندارد.

شورای نظامی حاکم نیز همچون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مدعی‌اند که کودکان و نوجوانان توسط افراد بزرگسال اغوا شده‌اند و به انجام عملیات انقلابی علیه رژیم دست می‌زنند. اما کیست که این دلایل ابلهانه را بپذیرد.

جنبش در روند رو به بالندگی خود خرد و کلان را در خود جای می‌دهد. مگر کودکان خردسال ۴-۵ ساله ویتنامی نبودند که آمریکائیهای جنایتکار از هر کدام آنها باندازه یک بمب ساعتی وحشت داشتند.

مگر در همین میهن انقلابی، این غنچه‌های صمد و ماهیان سیاه کوچولوی دریای خلق‌های ایران نبوده و نیستند که خواب را بر مرغان ماهی‌خوار و پاسداران تباهی حرام کرده‌اند.

## ترکیه اعدام فاشیستی ۲ انقلابی

### کمونیست در ترکیه و تقاضای اعدام برای رهبر اتحادیه انقلابی کارگران

طبق یک اعلامیه رسمی کودتاچیان اعتراف کردند که در هفته گذشته دو تن از انقلابیون کمونیست ترکیه را با تهام قتل مستشاران آمریکائی در دو سال پیش، اخیراً اعدام کرده‌اند. این اقدام جنایتکارانه بی‌شباهت به اعدامهائی نیست که این روزها توسط مزدوران سرمایه و بیدادگاههای جمهوری اسلامی در حق انقلابیون کمونیست و دیگر مبارزین اعمال می‌شود. از جمله برای مقایسه می‌توان با تهامات اعلام شده از سوی بیدادگاه در مورد رفقا سعید سلطانپور و محسن فاضل یاد کرد.

سعید سلطانپور با تهام سوء سابقه (مبارزه با رژیم شاه) اعدام، محسن فاضل پور با تهام قتل (بمب گذاری در هتل شاه عباس در زمان رژیم شاه) اعدام. آری، در حالیکه مبارزات کارگری و نیز مبارزات دموکراتیک و انقلابی در ترکیه هر روز سازمان یافته‌تر و وسیع‌تر می‌گردد بی‌دادگاههای فرمایشی نیز تند تند تشکیل و در خدمت و حمایت از سرمایه‌داران احکام جنایتکارانه جدیدی صادر می‌کند، از جمله در هفته پیش توسط یکی از همین بیدادگاه‌های نظامی - رفیق "عبدالله باسترک" یکی از رهبران کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی کارگران ترکیه D.I.S.K را به اتهام تلاش برای واژگون کردن حکومت نظامیان کودتاچی محاکمه کرده و برای وی تقاضای اعدام نموده است.

آری، این است منطق سرمایه‌داران و رژیمهای وابسته به آنها در همه جای جهان آزادی استثمار و غارت برای سرمایه‌دار - زندان - تبعید - اعدام برای کارگران.

## مراکش عقب نشینی

### توطئه‌گرانه سلطان حسن

رژیم پادشاهی مراکش در هفته‌های گذشته بخاطر امواج بزرگ اعتصابات و تظاهرات صنفی - سیاسی، کارگران و زحمتکشان شهری با بحران جدیدتری روبرو شد و این در زمانی است که تداوم مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبان صحرا به رهبری جبهه پولیساریو نیز ضربات کوبنده‌تری را بر پیکر او وارد می

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش سراسر جهان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۲

# خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

بقیه از صفحه ۹

نیندازد آزادند و اسلام در تمامی این شئون حدومرز آنرا تعیین کرده است" (- همانجا) وحتی پا را فراتر می‌نهد و میگوید "در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند" (مصاحبه با روزنامه هلندی دی ولت کرانت ۱۶ آبان ۵۷)

اما پس از برقراری جمهوری اسلامی تمامی این وعده‌ها به فراموشی سپرده میشود و رژیم تحت رهبری خمینی تا جایی که قدرت دارد در جهت برقراری سرکوب و اختناق، سانسور و کشتار به پیش میرود. آیت الله خمینی و سران دیگر رژیم فراموش میکنند که مردم "از اختناق و کشتار" تا رانی بودند و قیام کردند. در طلیعه جمهوری اسلامی خلق کرد و ترکمن و سپس خلق عرب و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در هرکجا که لب به اعتراض میگشایند کشتار میشوند، "مطبوعات و کلیه وسایلی که با ید به وسیله آن تبلیغ شود" یا "دیگر مانند" ۵۰ سال که در اختیار شاه بود "به سرعت به قبضه" رژیم درمیآیند. سایر نشریات تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته ممنوع میشوند. سانسور سیاه برقرار میگردد. رادیو تلویزیون درست مانند دوره شاه به جعل اکاذیب و دورغ‌پردازی مشغول میشود، "فعالیتهای فکری" با ردیگر در شدیدترین محظور قرار میگیرد، هنرمندان، نویسندگان و شعرای انقلابی تحت فشار، دستگیری، ضرب وشتم و... قرار میگیرند، کانونهای دمکراتیک بسته میشود، "آزادی در کار" بسرعت پایمال میشود، تصفیه‌های عقیدتی اوج میگیرد. معلمین بسیاری به جرم چپی بودن اخراج میشوند. در کارخانه‌ها و ادارات تصفیه‌های عقیدتی ابعاد گسترده‌ای می‌یابد. اقلیتهای مذهبی - علیرغم تمامی قولهای آیت الله خمینی تحت شدیدترین فشارها قرار میگیرند. نه تنها آزادی انتخاب شغل برای آنان - وجود ندارد، نه تنها در بسیاری از ادارات و وزارتخانه‌ها استخدام نمی‌شوند و شرط بدست آوردن پستهای بالای مملکتی مسلمان و شیعه بودن قرار میگیرد بلکه حقوق اولیه اجتماعی آنان نیز سلب میشود و بصورت شهروندان درجه دوم در میآیند. مطبوعاتی که خمینی "آزادی نشر مطابق و وقایع" را برای آن تضمین کرده بود به قبضه "حزب جمهوری اسلامی درمیآیند و سانسور و ستاخیزی بر آنها حاکم میگردد. اجتماعات و احزاب مورد شدیدترین یورش و سرکوب قرار میگیرند و دولت اسلامی در عوض اینکه "تمام منطق‌ها" را با "منطق جواب" دهد آنرا با چماق و سرنیزه، کشتار و ترور، زندان و شکنجه پاسخ میدهد. و کمونیستها نیز نه تنها در بیان عقاید خود آزادنیستند بلکه بمحض شناسایی، دستگیر، شکنجه، ترور و حتی اعدام می‌شوند.

تمامی وعده‌های آیت الله خمینی پس از تحقق جمهوری اسلامی نقش بر آب میگردد و سراب جمهوری اسلامی پس از تحقق رنگ می‌بازد.

سخنان آیت الله خمینی درباره آزادی و دمکراسی پس از کسب قدرت تغییر میکند. آیت الله که تا بحال وعده میداد روزنامه‌ها و احزاب آزادند اینک میگوید "اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمیدادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام میکردیم، تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام میکردیم. یک حزب و آنهم حزب الله، حزب مستضعفین" و "اگر ما از اول... بطور انقلابی عمل کرده بودیم قلم تمام - مطبوعات (فاسد) را شکسته بودیم و تمام مجلات و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم." (سخنرانی در دیدار با مردم قم ۲۷ مرداد ۵۸) آیت الله خمینی اینک که در قدرت است معتقد به سرکوب و خفه کردن تمامی مطبوعاتی است که مخالف او و رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین گامی برمیدارند. اینک دیگر فقط یک حزب و آنهم حزب الله رسمیت و مشروعیت دارد یعنی حزب سرکوب و خفقان و ترور، یعنی حزب چماق.

خمینی که تا بحال معتقد به آزادی - شغل آزادی بیان عقیده بود (حتی برای کمونیستها!) اینک میگوید "شما باید با سیر آقایان که در آنجا (منظور رادیو تلویزیون است) هستند و متعهد، با هم این افرادی را که الان برای مملکت ما مضر هستند، این چپی ها، اینها یی که با این طرف و آنطرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید بدون اینکه بترسید." (سخنرانی در دیدار با مسئولان صدا و سیما ۱ خرداد ۵۹) و بالاخره نیز آیت الله خمینی که وعده میداد "میزان رای ملت است" کار را به جایی رسانیده که میگوید من در مقابل رای ۳۶ میلیون نفر نیز خواهم ایستاد.

آیت الله خمینی نه تنها پیش از کسب قدرت بلکه تا مدتها پس از قدرت گیری نیز فریادهای آزادیخواهانه سر میداد. اما اینک بیش از پیش چهره خود را می‌نماید. آیت الله خمینی در راس حکومتی قرار دارد که هرگونه آزادی را مورد شدیدترین یورشها قرار داده و در جهت برقراری حاکمیت ترور و کشتار و اختناق به پیش میرود.

# گزارشی از تظاهرات ضدامپریالیستی اول ماه مه در واشنگتن

درسوم ماه مه تظاهرات با شکوهی با شرکت بیش از صدهزار نفر در واشنگتن برگزار شد. مسیر این تظاهرات از جلوی وزارت امور خارجه تا جلوی ساختمان پنتاگون بود. این تظاهرات در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.

مهمترین شعار این تظاهرات، اعتراض به سیاستهای جنگ افروزانه و تجاوزکارانه دولت آمریکا بود، خصوصا "مسئله تجاوز و دخالت آمریکا در السالوادور محور شعارها و سخنرانیهای این روز بود.

در کنار شعار محوری مسائلی از قبیل تبعیضات نژادی، سیاستهای اقتصادی امریکا بخصوص در رابطه با سیاهپوستان و توده‌های وسیع جامعه، افزایش بودجه نظامی، عدم رعایت حقوق زنان و... غیره در سخنرانیها و شعارها مطرح و مورد اعتراض قرار گرفت.

در این تظاهرات که از سوی قریب ۷۰۰ سازمان و چهره مترقی مورد تائید قرار گرفت، سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا هوادار سازمان شرکت فعال نمودند. نمایندگان جنبشهای آزادیبخش السالوادور، فلسطین، پورتوریکو و جنبش سرخپوستان امریکا سخنرانی داشتند و سیاستهای ضدخلقی امریکا را در سطح جهانی و داخلی شدیدا "محکوم کردند.

**نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش**

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# چون کوه استوار و چون پولاد مقاوم و سرسخت باشیم

بقیه از صفحه ۱

- هائی است که کمونیستها در لحظات دشوار از خود نشان داده اند. سراسر تاریخچه مبارزات کمونیستها مشحون است از عالی ترین مقاومت ها، قهرمانی - ها و از خودگذشتگی ها، درسیاهچالها، بیدادگاهها، شکنجه گاهها و میدانهای تیر. این درسی است که ما باید در شرایط و اوضاع کنونی، هنگامیکه رفقای قهرمان ما و انقلابیون راستینی که در زیر تیغ جلادان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بشهادت میرسند و تا آخرین لحظات حیات خود با عشق و امید به آینده پیروزمند طبقه کارگر و توده های زحمتکش مقاومت میکنند و سرفراز رگبارهای جلادان را پذیرا میشوند، همچنان مدنظر داشته باشیم.

رفقا!

همانگونه که قبلا" گفتیم مرحله نوینی در نبرد قطعی میان انقلاب و ضدانقلاب آغاز گشته است. رژیم جمهوری اسلامی که بیش از دو سال با تکیه بر توهم و ناآگاهی توده ها به حکومت دروغ و نیرنگ خود ادامه داد، اکنون در برابر رشد روزافزون نارضایتی توده ها، گسترش بحران اقتصادی و سیاسی موجود و قدرت گیری سازمانها و نیروهای انقلابی، خود را بیش از همیشه ناتوان می بیند، بنابراین تمام پرده های ریا و فریب را بکنار زده و آشکارا نبرد مرگ و زندگی را آغاز کرده است. چون سگی هار دیوانه وار به هر سو حمله می برد، دسته دسته نیروهای انقلابی را که جرمی جز دفاع از آرمان مقدس کارگران، منافع زحمتکشان و آزادیخواهی ندارند در بیدادگاههای شبه فاشیستی خود محکوم و به رذیلانه ترین وجه بجوخه آتش میسپارد. رژیم تلاش دیوانه واری را آغاز کرده است تا بخیال خود با ایجاد محیط رعب و وحشت و تبلیغات زهرآگین جلو رشد و گسترش سازمانهای انقلابی و جنبش توده ای را سد کند و خود را از ورطهٔ سقوط نجات بخشد. اما براستی بنا به علل عینی و ذهنی این تلاشها مذبوحانه و کاملا" عبث است.

هنگامیکه دهها و صدها فدائی و مجاهد و انقلابیون دیگر حتی در اسارت بریش رژیم میخندند، تا آخرین لحظات حیات خود آشتی ناپذیر و پیگیر مبارزه میکنند و سرانجام مرگ را با آغوش باز پذیرا میشوند، تمام تلاشهای مذبوحانه رژیم را نقش بر آب میکنند و با این قهرمانی و روحیه انقلابی نشان میدهند که فرزندان، برادران و خواهران دهها هزار شهیدی هستند که قهر ضدانقلابی رژیم شاه را در گلوی توپ و تانک و مسلسل خفه کردند، رعشه بر اندام جنایتکاران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می اندازند. این است آن عامل ذهنی و آن روحیه انقلابی که خواب و خیالهای جنون آمیز رژیم را نقش بر آب میکند. از این مهمتر هنگامی پی به عبث بودن تمام این ترشهای ضدانقلابی رژیم و شکست قطعی آن می بریم که در می یابیم رژیم موجود در آنچنان بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است که بآسانی نمیتواند خود را نجات دهد. احیاء مجدد جنبش انقلابی و آشکار توده ای که بر بستر این بحران شکل میگیرد و دوران انقلابی که ما اکنون در آن بسر می بریم با هیچ ترور و شکنجه، اعدام و اختناق قابل مهار کردن نیست، ممکن است با این یورشها و حملات سبعانه جنبش دچار رکود لحظه ای و موقتی گردد. اما همانگونه که تاکنون شاهد بوده ایم، دوباره در ابعادی گسترده تر بحرکت درخواهد آمد. این رژیم بنا بر شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود قادر نیست بحران اقتصادی و سیاسی کنونی را حل کند و رکود سیاسی بالنسبه طولانی را بر جنبش حاکم سازد. از این رو هر یورش رژیم و هر حمله ددمنشانه تنها سقوط آنرا نزدیکتر میسازد. با چنین ارزیابی از وضعیت کنونی و چشم انداز آینده است که نیروهای انقلابی باید هوشیاری خود را حفظ کنند و خونسرد وظائف انقلابی خود را در جهت آمادگی برای نبردهای تعیین کننده قریب الوقوع انجام دهند. از این رو رفقای هوادار سازمان باید به رهنمودهای زیر توجه داشته باشند و پیگیرانه وظائف انقلابی خود را انجام دهند.

- رفقا! در نظر داشته باشید که یورشهای ضدانقلابی کنونی رژیم، سرکوبها و اعدامهای دستجمعی، همانند حملات گذشته اش، لحظه ای و فاقد سیستم است بنابراین نمیتواند پایدار بماند. رفقای هوادار با درک این واقعیت و در نظر گرفتن اینکه رژیم همانند مار زخم خورده است که میکوشد در آخرین لحظات حیات خود آخرین زهر خود را بریزد، باید در لحظه کنونی خود را از گزند آن مصون دارند بنابراین رعایت موازین اکید امنیتی و مخفیکاری امری ضروریست.

در شرایط کنونی رفقای هوادار باید هوشیاری خود را چندین برابر کنند و اصول و ضوابط مخفی کاری را رعایت نمایند. البته نباید فراموش کرد که مخفی کاری بهیچوجه بمعنای پنهان شدن و دور شدن از توده ها نیست بلکه بالعکس، ارتباط فعالتر و نزدیکتر با توده ها و زندگی در میان آنهاست. - فعالانه در مبارزات توده ها شرکت کنید و مبارزات آنها را ارتقاء بخشید.

- رفقا! همانطور که میدانید رژیم با استفاده از تمامی اشکال پلیسی، تعقیب و مراقبت و جاسوسی در جستجوی نیروهای انقلابیست و تاکنون به بسیاری از خانه های شناخته شده (مثل خانه های خانواده های شهدا و رفقائی که قبلا" دستگیر شده اند و از آنها آدرس دارند) یورش برده است. بنابراین در محل سکونت خود نهایت دقت را داشته باشید. از رفت و آمدهای زائد و مشکوک کننده خودداری کنید، از ارتباطات بیهوده بپرهیزید. جلسات بحث و گفتگوی جمعی را موقتا" محدود کنید. محل زندگی خود را کاملا" پاکسازی کنید. اسناد و مدارک را در دسترس قرار ندهید.

- رفقا! زمان نبرد قطعی هنوز فرا نرسیده است، اما رژیم با توسل به چنین جنایات هولناکی، چون اعدامهای پی در پی و دستجمعی میخواهد ما را بعرصه نبرد قطعی بکشاند. با درک عمیق و مسئولانه از موقعیتی که در آن قرار داریم در مقابل چنین جنایاتی به احساسات لحظه ای تن ندهیم. دچار هیجان زدگی و عصبانیت نشویم. آرامش خود را حفظ کنیم. ما اکنون آنقدر تجربه آموخته ایم که اسیر تحریکات رژیم نشویم. ما آنقدر تجربه کسب کرده ایم که در نبری که دشمن زمان و مکان آنرا معین میکند. شرکت نکنیم بلکه زمان و مکان قطعی نبرد را ما با و تحمیل کنیم. بنابراین آرامش خود را حفظ کنید و خونسرد به مبارزه ادامه دهید و با ایمان به طبقه کارگر تکیه بر جنبش اعتلاء یابنده توده ها به امر تبلیغ، ترویج، سازماندهی و تسلیح و آموزش توده ا بپردازید.

- جنایات رژیم را افشا کنید. اعدامها و سرکوبها را به حربه ای علیه خود رژیم تبدیل کنید.

- در گسترش و انتقال اخبار مربوط به مبارزات توده ها بکوشید.

- در هر کجا که هستید حضور سیاسی خود را با توجه به شرایط موجود نشان دهید. در تکثیر و توزیع نشریات و مواضع سازمان بکوشید حتی اگر محیط بسیار خفقان آور باشد به پخش شبنامه ها و یا دیگر شیوه های ابتکاری بپردازید.

- در هر جا که هستید اخبار مربوط به مبارزات توده ها و گزارش مربوط به روحیات توده ها را برای ما بفرستید.

- مراکز سرکوب و خانه های امن دشمن، رهبران باندهای سیاه، فالانژهای حزب اللهی، جاسوسان و جنایتکاران رژیم را شناسائی کنید، و هرگونه اطلاعاتی که بدست آوردید، در اختیار سازمان قرار دهید.

و بالاخره رفقائی که بازداشت میشوند، و با سازمان ارتباط دارند چنانچه به نحوی از انحاء ارتباط آنها با سازمان مسجل شد موظفند حتی در دادگاههای فرمایشی از آرمان طبقه کارگر، منافع توده های زحمتکش و مواضع سازمان دفاع کنند.

پیروز باشید.

[redacted]

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۴

## با یاد فدائی شهید، سعید سلطانپور، شاعر و هنرمند انقلابی

از تاریک شکسته آزادی
این خون سرخ فدائی است
که می جوشد

* * *

در خشم خلق، که میکوبد بر مسلخ اوین
این مشت سرخ سعید است.
فریادهای عاشقان فدایی
در کارخانه و معدن

در کارخانه و معدن
در اعتصاب و کشتزارهای خون
فریاد سرخ سعید است.

در خون کارگر
در خون برزگر
در خون سرخ خلق
این خون سرخ سعید است، که میجوشد.

* * *

آوازه‌خوان خونی آزادی! آتشفشان خشم!
دریای مهر و عشق، فریادخوان شکنجه و شلاق!
آوازه‌خوان کار و آزادی!

بنگر کنون رفیقانت،
این عاشقان سرخ فدایی
با شبنامه و تفنگ و گل سرخ
از کارخانه تا معدن
از کوره‌های تب زده تا کشتزارهای سرخ
آواز سرخ فدایی را
فریاد میکنند.

## مراکش

بقیه از صفحه ۱۱

### عقب نشینی...

آورد. شاه مغرب در مقابل با برآمد نوین توده‌ای در شهرها سیاست سرکوب لجام گسیخته را پیش میبرد و بشیوه همه رژیم‌های ارتجاعی مانند رژیم ایران اعتصابات کارگری و تظاهرات توده‌ای را به گلوله می‌بندد و مردم را به خاطر فریاد برآوردن علیه گرانی و بیکاری و اختناق به زندانها و کشتارگاهها روانه میکند.

تنها در هفته گذشته طبق آمار اتحادیه سوسیالیستی نیروهای خلق ۲۰۰ تن از زحمتکشان در حالیکه علیه گرانی و سرکوب شعار میدادند توسط پلیس مزدور رژیم ملک حسن توسط گلوله بقتل رسیده‌اند. و صدها تن دیگر نیز مجروح گردیدند.

رژیم از دادن اجساد کشته شدگان به خانواده‌هایشان خودداری میکند. گزارشات خبری حاکی از آن است که تمامی بیمارستانهای شهر از زخمی‌های حوادث اخیر پر هستند و در بولتن بیمارستانهای کازابلانکا رسما "اعلام گشته که اکثر کشته شدگان و زخمی‌ها جای گلوله بر تن دارند. مردم زخمی‌های بیشتری را بدون آنکه به بیمارستان بیاورند در خانه‌های خود معالجه میکنند زیرا بمحض آنکه مجروحی قابل انتقال باشد پلیس که بیمارستانها را تحت اشغال دارد او را به زندان منتقل میکند.

از سوی دیگر بدنبال دستگیریهای اخیر بیدادگاههای سلطنتی برای رسیدگی به اتهامات دستگیرشدگان در تظاهرات بطور سری جلسات سریع و کوتاه مدتی را تشکیل دادند و درست مانند سردمداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بی آنکه حتی قوانین ضدخلقی خود رژیم را هم رعایت کنند به محکوم کردن متهمین میپردازند. جالب توجه است که اتهام بسیاری از مبارزینی که در بیدادگاههای مذکور محاکمه میشوند توهین به مقام شامخ رهبری مملکت یعنی حضرت سلطان حسن و نیز اقدام به خشونت در برابر نیروهای سرکوبگر ذکر شده است.

البته جلسات دادگاه نیز بدلیل ترس رژیم از افشای حقایق توسط مبارزین کاملاً سری تشکیل میشود.

اما در رابطه با صحرا: از آنجا که رژیم حسن امروزه دیگر قادر به جلب حمایت توده‌های مراکشی از راه برانگیختن احساسات ناسیونالیستی آنها علیه پولیساریو و خلق استقلال طلب صحرا است و پیدا کردن سربازانی که بشود آنها را برای سرکوب زحمتکشان صحرا براحتی اجیر و گسیل نمود دشوار شده است و نیز با توجه به روحیه شکست خورده و صفوف متلاشی شده ارتش پادشاهی در صحرای غربی شاه حسن بفکر توطئه جدیدی افتاده و آن اعلام موافقت ظاهری با یک رفراندم در صحرای غربی است برای "تعیین سرنوشت مردم بدست خودشان" جبهه پولیساریو که با شناخت از ماهیت رژیم ضدخلقی و سرکوبگر ملک حسن به افشای مضمون واقعی این رفراندم ادعائی پرداخت و صریحاً "اعلام داشت که هرگونه راه حلی بدون خروج بی قید و شرط چکمه پوشان پادشاهی مغرب از سرزمین صحرا مردود است و خلق صحرا برای تحقق خواستهای استقلال طلبانه خود هم چنان به مبارزه ادامه میدهد.

## کمکهای مالی دریافت شده

| | | | |
|---|---|---|---|
| الف | ۱۶۱۱ | ۲۲۰۰ | ۵۱۵۰ |
| | ۵۲۳ | ۱۵۰۰ | |
| آ | ۵۰۰۱ | | |
| ب | ۱۰۰۱ | ۶۱۱۴ | |
| پ | ۱۷۸ | ۳۳۰۰ | ۵۶۲۳ |
| ت | ۱۱۱۲ | ۲۶۱۱ | ۲۱۱۶ |
| | ۱۲۲۴ | ۱۲۱۲۲ | |
| ج | ۱۲۰۰ | | |
| ح | ۱۰۴۳۴ | ۲۱۲۳ | ۷۳۳۷ |
| | ۵۵۷ | ۵۰۲۲ | ۵۹۲۲ |
| خ | ۱۰۲۳ | | |
| د | ۲۰۱۰ | | |
| ر | ۱۲۸۱ | ۱۶۱۱ | ۱۰۰۰۳ |
| | ۵۱۰۰ | ۲۰۸۸۸ | |
| ز | ۲۲۲۳ | ۲۰۰۵ | ۵۱۳ |
| | ۱۱۳۵ | | |
| س | ۱۰۱۵۰ | ۴۹۲۶ | ۲۰۰۰۱ |
| | ۲۲۳۴ | | |
| ص | ۱۵۵۵ | ۱۰۲۲ | |
| ط | ۴۰۱۳۴ | | |
| ع | ۱۱۰۰ | ۷۷۷۷ | |
| | ۱۰۲۰ | ۵۸۲۱ | |
| ف | ۵۶۶ | ۲۰۳۲۷ | ۱۶۱۱ |
| | ۱۰۱۰ | ۷۲۲ | ۶۲۳ |
| ق | ۲۹۳۳ | ۳۶۰۲ | |
| ک | ۲۱۲۱ | | |
| گ | ۲۰۰۵ | | |
| م | ۱۵۱۲۶ | ۲۱۴۴ | ۱۰۲۰ |
| | ۲۱۴۳ | ۱۱۱۱ | ۱۴۹۹ |
| | ۵۸۵۸ | ۲۱۶۸ | ۱۲۰۰ |
| | ۳۰۰۰ | ۳۳۳۳ | ۱۰۲۷۲ |
| | ۲۱۲۴ | ۳۲۰۰ | ۵۱۱۱ |
| | ۱۵۷۲۳ | | |
| ن | ۱۶۱۲ | ۱۱۳۵ | ۱۴۰۰ |
| | ۲۰۰۳۲ | ۵۰۲۸۳ | |
| و | ۱۰۰۷۷ | | |
| ه | ۲۰۰۴ | ۱۵۲۰۰ | ۱۳۱۹ |
| | ۱۳۰۰ | | |
| ی | ۳۱۲۰ | | |
| بدون (حرف اول نام) | ۴۸۰۰۰ | ۲۰۱۹ | ۸۳۳ |
| | ۷۲۲ | ۳۱۱ | ۲۱۵ |
| | ۲۱۶ | ۶۲۳ | ۵۰۰۶ |
| | ۱۰۴۰۶ | ۲۴۰۵ | ۲۰۸۱ |
| | ۱۰۰۲۰ | ۵۰۴۰۲ | ۵۴۰۱ |
| | ۵۱۲۸ | ۲۰۰۰۶ | ۵۰۴۰۲ |
| | ۲۴۰۵ | ۲۰۲۳ | ۱۰۸۱ |
| | ۲۱۳۱ | | |

دبیرستانها
پیشگام ۵۲۲۲
پیشگام هسته نینا ۵۰۰
هسته نینا ۲۰۰۰
مدرسه پاینده ۱۰۰۰
مدرسه حیدریه ۱۰۰
پیشگام دماوند ۱۵۰۰
رفیق همافر ازدزفول ۵۰۰۰ ریال
نارمک - ۱۵۰۰۰ ریال
کاظم سعادتی ۲۰۰۰ ریال
اف ۲۰۰۰ ریال
میشا ۱۰۰۰۰۰
رسمخابرات ۳۰۰۰ ریال
رفیق قالی باف از ترکمن صحرا ۲۰۰۰ ریال

کارگر نورد ۱۰۰۰ ریال
سوئد استکهلم ۱۵۰۰
امو ۵۵۳۰
رفقا پول و نامه شما هم رسیده است
ر - س ۵۰۰۰
ک - ب ۵۰۰
امانت شما رسید
الف ۴۱۱ (کوپن بنزین)
۷۳۱۴ (کوپن) بنزین
م - ۲۴۰
۲۲۲ قزوین
نامه‌ات رسید
کوپن کیومرث
ح ۹۹۹
هواداران سقز
خ ۲۷۷۶
گ ۱۵۴۶
م ۱۶۰۰

کمکهای مالی هواداران سازمان در آمریکا
ت ۱۰
ک ۵۰
ث ۸۰
پ ۲۰
و ۱۰۰
ب ۳۰۳
ب ۲۱۰
ل ۱۳۵
الف - ۵۴۰۱
۲۰
۳۰۵ میامی
۱۰۰
م ۹۷
ژ ۱۳۰
ص ۸۰
د ۹۰
ف ۲۱۰
ز ۳۵
ن ۵۵
غ ۱۰۰
ا.ب ۸۵
م - ۱۰۰ ۵۰
کدا.آ ۴۸
ی - ۱۹۴۵ ۱۱۴
تبلهم ۲۰

ل - ر ۱۱۵
۱۰۰
نورفولک
۵
ن.ش ۲۰۰
۲۰۰
م - ۳۱۳ ۱۰۵۰
بهمن آژنگ
۵۰
م - ۱۱۳ ۲۰
ش ۹۹۹ ۱۰۰
ایتاکا - ۱۰۰
۱۰۰
ژ - ۱۰۰
۱۰۰
اوکلاهما ۵۰
آ ۸۰
ع ۱۴۲
م - ن ۱۸۰
ف - م ۲۰
تاسو ۲۴
پلمن ۳۸
س - م - غ - م
۳۳۰
ا - ح ۱۴۷
پ - ۱۲ ۲۰۰
حسن ۱۰۰
س - آ ۱۵۰

ف - خ ۱۲۵
ک - ب ۱۰۰
روزبه ۱۷۵
توان ۲۲۵
ت - ن ۱۶۰
ن - ش ۲۵۰
د ۲۵۰
س ۳۰۰
ه ۱۸۰
ف ۱۴۰
خ ۱۷۰
ص ۱۰۰
م ۵۰
الف ۱۲۰
ب ۱۵۰
ج ۱۶۰
ز ۲۰۰
ق ۲۴۰
ر ۳۵۰
ش ۸۰
ث ۹۰
محمد ۱۲۵
زهره ۱۴۰
ی ۵۵
علی ۶۰
پ ۴۰
به دلار
جمع / ۳۰۰۰

**کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد رزمت**

چهارشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیه از صفحه ۲

توده‌ها منجرشد. هرگاه بخواهیم خلاصه کنیم. توده‌ها در پروسه مبارزاتی خود ودراثر تجربیات عملی شان بخوبی دریافته‌اند که رژیم جمهوری اسلامی پاسخگوی خواستها ونیازهایشان نیست وازاینرو روزبروز بیشتر توهمات خود را نسبت به امکان تغییر اوضاع ازبالا ازدست میدهند سیر نزولی شرکت کنندگان در انتخابات وبخصوص انتخابات مفتضحانه میاندوره‌ای بخوبی این مساله را نشان میدهد. اگر تا بحال چشمداشت توده‌ها به بالائیها شرکت وسیع آنها را در انتخابات سبب میشد اگر تا بحال افشای ماهیت ضدخلقی رژیم از طریق شرکت در انتخابات صورت میگرفت اینک دیگر توده‌ها در تجارب عملی خودپی به بیهوده بودن این انتخابات برده‌اند. تاکتیک ما باید تبلور این تجارب عملی توده‌ها، جمعبندی آن ودرجهت کاربست این تجارب باشد.

تاکتیکی که ازسوی ما اتخاذ میشود مشخصا "باید درجهت تثبیت این بی اعتمادی مردم به حرکت وتغییر از بالا درجهت زدودن توهمات قانونیت باشد. این تاکتیک باید نه تنها عدم امکان تغییر درجهت توده‌ها ازسوی حزب جمهوری اسلامی را (که اینک توده‌های وسیعی به آن باور دارند) تثبیت کند بلکه باید بی اطمینانی نسبت به لیبرالها وقطع امید نسبت به امکان حرکت مثبت ازسوی آنان را نیز (که درهفته‌های اخیر بشدت رشد نموده) دامن زده تثبیت نماید. تاکتیک ما در مورد انتخابات باید مشخصا "درخدمت ایده‌ٔ عدم امکان هرگونه تغییر از بالا قرار داشته باشد.

ازسوی دیگر باید شرایط مشخص موجود را بررسی نمود. اینک اقشار وسیع توده‌ای از رژیم جمهوری اسلامی بریده‌اند. اینک توده‌ها تحت شدیدترین فشارها، فقر، گرسنگی، بیکاری وآوارگی قرار دارند وبدرستی نیز دریافته‌اند که پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به خواسته‌هایشان بجز حمایت ازسرمایه‌داران وزمینداران وبجز اعمال سرکوب چیز دیگری نیست. درعین حال اوجگیری مبارزات طبقاتی دریکماهه اخیر و سرعت وقایع توانسته است با سرعتی شگفتی آور توهمات اقشار وسیع توده‌ها نسبت به بنی صدر وسایر لیبرالها را تا حدود زیادی بزداید. توده‌ها در تجربه عملی خود دریافتند که بنی صدر ولیبرالها درکنار آنها قرار ندارند ودرجهت خواستهای آنان مبارزه نمی کنند. شکل حرکت وفرار بنی صدر، که حتی در آخرین لحظات برکناری نیز نه تنها کوچکترین اعتمادی به مبارزات توده‌ها نشان نداد بلکه به خمینی ودرنتیجه نظام جمهوری اسلامی اعلام وفاداری نمود، عملا" به بی اعتباری بنی صدر درنزد توده‌ها منجرشد.

بهررو مبارزات توده‌ها اوجی نوین یافته است. اینک دیگر میتوان گفت توده‌های پیشرو ورودرروئی با رژیم جمهوری اسلامی را آغاز کرده وتجربه می کنند. مبارزات خلق عمدتا "چهار چوب قانون بورژوائی را می شکنند ودر ورای آن شکل میگیرد. توده‌ها اشکال متنوعی از مبارزه برضد رژیم را بکار گرفته‌اند که از ابتدائی ترین و منفعلانه‌ترین شکل چون اعتراضات لفظی وحتی لطیفه‌سازی تا عالیترین اشکال مبارزاتی، رودرروئی مسلحانه ویا راهپیمائی نظر کارگران شهر صنعتی البرز را دربرمی گیرد. از آنچه گفته شد،

# تحریم انتخابات ریاست جمهوری

میتوان درجمعبندی وضعیت موجود گفت علیرغم اینکه عقب مانده‌ترین اقشار توده‌ها هنوز نسبت به رژیم متوهم و ناآگاهند، مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی دریک برآورد کلی درمیان توده‌ها از میان رفته است. توده‌ها اینک امید خود را به بهبود شرایط موجود ازدست داده‌اند ودرعین حال توهمشان نسبت به امکان تغییر از بالا حتی ازجانب بنی صدر و لیبرالها نیز فروریخته است.

توده‌ها بدرستی درتجربیات عملی خودپی برده‌اند که رای ونظر آنان، حتی رای ونظر اقشار متوهم توده‌ها نیز درتعیین سرنوشتشان ودرتعیین سیاستهای رژیم تاثیری ندارد. توده‌ها بدرستی درک کرده‌اند که درچنین نظامی با چنین چهارچوبی ازقانون همه چیز تحت کنترل واراده‌ٔ قدرتی "مافوق" قانون یعنی ولایت فقیه است (در عین حال که درمیابند ولایت فقیه نیز خودچیزی جدا ازرژیم نیست بلکه جزو آن ومتاثر از آن است. ولایت فقیه ابزاری است دردست بورژوازی تجارت) بهرروتوده‌ها دیدند که چگونه آراء آنان (هرچند آراء اقشار متوهم خلق) به راحتی با یک شعبده بازی سیاسی ناپدید و پایمال شد. وهمانطورکه قبلا" در سرمقاله کار ۱۱۵ گفته‌ایم "اکنون.... شرایطی فراهم شده است که ما میتوانیم وباید بطرح شعارهائی بپردازیم که مستقیما "حاکمیت را زیر علامت سوال قرار دهد. هنوز نمیتوان سرنگونی قهرآمیز حاکمیت را طلب کرد بلکه باید ازضعیف ترین وآسیب ناپذیرترین حلقه آن آغاز نمود" ما طرح کردیم که این ضعیف ترین حلقه، این منفورترین درنزد توده‌ها همانا حزب جمهوری اسلامی است واینک با درنظرگرفتن تمام جوانب با درنظرگرفتن اینکه انتخابات مستقیما "دردست حزب و کاندیداها نیز مستقیما "وابسته به حزبند، میتوان توده‌ها را به تحریم انتخابات دعوت کرد. تحریم اینک درعین حال که دستور آغاز قیام نیست اما توده‌ها را به رودرروئی با رژیم فرا میخواند وتاکتیکی درجهت فرا خواندن توده‌ها به سرنگونی رژیم است. تحریم اینک درعین حال که منطبق با سطح مبارزات توده‌هاست وازجمعبندی تجارب عملی آنان منتج میگردد بقایای توهمات آنان نسبت به امکان تغییر از بالا را نیز می زداید وبی اعتمادی به رژیم وعدم امید به تغییر از بالا را دروسیعترین اقشار خلق تثبیت میکند.

سوای آنچه که گفته شد، شرایطی را نیز که حاکمیت پدید آورده است، خود درزمره عوامل دیگریست که ضرورت تحریم را دوچندان می کند. اکنون نه تنها ازسازمانهای انقلابی حق هرگونه فعالیت علنی سلب شده است، نه تنها هرگونه امکان برای تبلیغ علنی و شرکت علنی درمبارزات ازآنها سلب شده ودرمعرض بازداشت، زندان واعدام قرار دارند بلکه حتی اپوزیسیونهای ضدانقلابی نیز درانتخابات اخیر شرکت نخواهند داشت. صف بندی نیروهای سیاسی بخوبی این مسئله را نشان می دهد، ما اکنون با سه گروهبندی یکما بیش روشن درعرصه سیاسی ایران روبروهستیم

الف - حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی بورژوازی کلریکال، حزب توده و جناح راست اکثریت، این سه درمجموع نیروهائی هستند که درانتخابات اخیر شرکت خواهند کرد.

ب - سازمانها وگروههای مارکسیست - لنینیست دمکراتهای انقلابی در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

ج - طیف وسیعی ازنمایندگان بورژوازی لیبرال ونمایندگان بورژوازی بزرگ، این گروه نیز در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

درمجموع تنها بخش محدودی از نیروهای سیاسی موجود با پایگاه توده‌ای وتوان اقتصادی وسیاسی محدود درانتخابات شرکت خواهند کرد وبقیه نیروها این انتخابات را تحریم خواهند نمود.

"مسئله بسیار مهم دیگر که در اتخاذ تاکتیک تحریم باید به آن توجه نمود خود ویژگی شرایطی است که ما اکنون در آن بسر می بریم. علیرغم تمام سرکوبها وددمنشی های رژیم جمهوری اسلامی طلیعه‌های مبارزات کاملا" انقلابی واشکال مبارزات آشکار توده‌ای واقبال روزافزون بسوی نیروهای انقلابی وجود دارد. در این شرایط تاکتیک تحریم مکمل مبارزات اوجگیرنده توده‌ها وتاکتیکی درجهت بسیج بیشترین نیرو می باشد. "یک نشانه که بتنهائی وبدون هیچ اشتباهی وبشکل مشخص خیزش (از دیدگاه سازمانهای انقلابی) را نشان میداد این واقعیت بود که شعارهای انقلابیون نه تنها عکس العمل بوجود می آورد بلکه واقعا "ازوقایع عقب افتاده بود". "درسال ۱۹۰۵ هیچ فراخوانی ازطرف آنها نبود که توده‌ها غیرفعال با سکوت، یا با عدم شرکت درمبارزات جواب داده باشند، تحریم درچنان شرایطی یک مکمل طبیعی برای تشدید آتمسفر شارژشده بود. شعار تحریم چیزی را درآن زمان "اختراع" نکرد. آن شعار تنها وواقعا" بطور صحیح خیزشی را که بتدریج درجهت یک حمله مستقیم پیش میرفت فرموله کرد" (علیه تحریم کلیات جلد ۱۳)

تاکتیک تحریم درشرایط فعلی بشکل طبیعی مکمل شعار طرح شده ازسوی ما یعنی مرگ برحزب جمهوری اسلامی؛ زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان است. اینک نه تنها باید انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد بلکه باید درازای آن لزوم تشکیل مجلس موسسان مبتنی برشوراهای انقلابی را تبلیغ نمود. اینک باید به توده‌ها گفت که این انتخابات نیز چون سایر انتخابات درجهت تثبیت هرچه بیشتر حزب جمهوری اسلامی، درجهت قانونی کردن نهادهای سرکوب، درجهت قانونی کردن قبضه قدرت بدست حزب ودرجهت سرکوب هرچه بیشتر توده‌هاست. باید به توده‌ها گفت تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، تنها تشکیل شورای انقلابی، تنها برقراری مجلس موسسان است که میتواند به خواستهای برحق شما جامعه عمل بپوشاند. "شعار تحریم اهمیت جدی دررابطه جدا ناپذیرش با فراخوان مستقیم مردم به قیام مسلحانه برای سرنگونی رژیم تزاریسم وجایگزینی رژیم قدیمی با حکومت موقت انقلابی برای به وجود آوردن مجلس موسسان براساس رای مخفی، عمومی ومساوی ومستقیم، دارد."

(تزهای گزارشی کنفرانس درشهر سنت پترزبورگ، نظریه حزب کار سوسیال دموکراسی نسبت به دومای سوم)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۱۷ - صفحه ۱۶

# انتخابات میان دوره‌ای مجلس
# نموداری از سلب اعتماد توده‌ها از نهادهای حاکمیت

دولت تحت کنترل حزب جمهوری اسلامی، پس از کنار گذاشتن بنی‌صدر و یورش به نیروهای انقلابی، تعطیل تمام روزنامه‌های غیرحزبی و اعدام دسته جمعی مبارزان و انقلابیون و ایجاد محیط شرور و وحشت و اختناق در بین مردم، موقعیت را برای انجام انتخابات میان دوره‌ای مناسب دید و با عجله در ۹ شهریور این انتخابات را انجام داد. سودی که از رژیم گسیخته فترتند تا نور گرم است نان را بسیاند. هرچند رژیم توانست در چنین فضای خفقان و عوامل خود را از صندوق ها بیرون آورد اما گزارشاتی که در مطبوعات منتشر شده به روشنی نشان میدهد که با تمام تقلبات و رای سازیهائی که کرده‌اند مردم عملاً انتخابات را تحریم کرده‌اند و از آن شرکت نکرده‌اند. نگاهی به تعداد رای دهندگان ـ که از طرف دولت اعلام شده ـ و مقایسه آن با انتخابات همین مجلس در یکسال پیش نشان میدهد که تعداد رای دهندگان چقدر کاهش داشته است. مثلاً در تبریز تعداد رای دهندگان دوره قبل برای مجلس تقریباً ۱۵۰۰۰۰ نفر بود و بنا به گفته مقامات وزارت کشور در انتخابات اخیر تنها ۴۲۱۶۵ نفر شرکت کرده‌اند یعنی بان ترتیب تعداد رای دهندگان به حدود $\frac{1}{4}$ تقلیل یافته است. قابل توجه است که جمعیت تبریز طبق آمار سال ۵۵ ۱۵۶۹۹۱ نفر بوده است که با احتساب ۲۰۷۲۱۷۴ افزایش جمعیت طرف ۵ سال می‌توانند حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر باشد و بنابراین سید محسن پورمیرغفاری که با ۲۹۷۱ رای انتخاب شده تنها نماینده ۲ درصد مردم تبریز میباشد و در حقیقت از طرف مردم نماینده‌گی ندارد و بیاید در کرمان تعداد رای دهندگان در دوره پیشین ۷۵۷۲۳ نفر بود که در این دوره به ۳۳۴۲۰ نفر تقلیل پیدا کرده. یعنی تعداد رای دهندگان فعلی ۴ دوره قبل است. از طرفی جمعیت تقریبی کرمان ۵۰۰۰۰۰ نفر است بنابراین حجت الاسلام فهیم، جنابتکاری که مسئول سنگسار کردن و بریدن دست و اعدام کردن بسیاری از مردم کرمان است و فقط ۳۰۷۸۱ رای از کرمان و ماهان ورا و روگلیاف آورده تنها نماینده ده درصد مردم می باشد و بقیه شهرها نظیر بندر انزلی، رودسر، سیرجان، دره‌گز.... هم دست کم از شهرهای فوق ندارند و ما وضع آنها را در جدول زیر نشان میدهیم.

| شهر | آراء انتخابات پیشین | آراء انتخابات اخیر | درصد کاهش | جمعیت تقریبی شهر | آراء نماینده منتخب | درصد آراء تقریبی |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱- تبریز | ۲۵۰۰۰۰ تقریبی | ۴۲۱۶۵ | $\frac{1}{4}$ | ۱٫۲۰۰۰۰۰ | ۵۲۹۷۱ | ۴ درصد |
| ۲- انزلی | ۲۶۲۱۶ | ۵۰۵۵ | $\frac{1}{5}$ | ۹۰۰۰۰ | ۴۸۲۸ | ۵/۵ درصد |
| ۳- کرمان | ۷۵۷۲۳ | ۳۳۴۲۰ | $\frac{1}{2}$ | ۳۰۰۰۰۰ | ۳۰۷۸۷ | ۱۰ درصد |
| ۴- رودسر | ..... | ۱۷۱۲۹ | ..... | ۱۹۰۰۰۰ | ۱۵۰۰۰ | ۷ درصد |
| ۵- سیرجان | ..... | ۱۹۴۰۳ | ..... | ۱۵۰۰۰۰ | ۱۵۵۳۶ | ۱۰ درصد |
| ۶- دره‌گز | ..... | ۱۱۳۸۴ | ..... | ۶۰۰۰۰ | ۱۰۵۱۱ | ۱۷ درصد |
| ۷- هشترود | ..... | ۱۰۴۶۴ | ..... | ۲۰۰۰۰۰ | ۵۲۰۰ | ۲/۶ درصد |
| ۸- کاشمر | ..... | ۳۱۳۲۵ | ..... | ۱۷۰۰۰۰ | ۲۹۸۵۸ | ..... |
| ۹- شیروان | ..... | ۱۰۱۲۹ | ..... | ۷۰۰۰۰ | ۶۶۷۶ | ۹ درصد |
| ۱۰- بندرلنگه | ..... | ۹۶۹۱ | ..... | ۱۰۰۰۰۰ | ..... | ..... |
| ۱۱- میانه | ..... | ۲۴۴۲۸ | ..... | ۲۳۰۰۰۰ | ۱۶۰۲۴ | ۷ درصد |
| ۱۲- سرلوان | ..... | ۱۴۹۹۵ | ..... | ۹۵۰۰۰ | ۱۴۸۶۲ | ۱۵ درصد |

اما بسیار جالب است که روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم نظیر اطلاعات این عدم استقبال رای دهندگان را "استقبال کم نظیر" بشمار آورده و وقیحانه نوشته است: "بعلت استقبال کم‌نظیر مردم ساعت پایان آخرای تا ساعت ۹ دیشب تمدید شد" با توجه با اینکه آمارهای خودشان نشان میدهد که عملاً مردم انتخابات را تحریم کرده و از شهر یک میلیون و دویست هزار نفری تبریز فقط ۴۲ هزار نفر شرکت کرده‌اند در اقرار با اینکه زمان را تمدید کرده‌اند میرسانند که آنها خواسته‌اند در یکی دو ساعت تمدید شده هرنوع تقلبی را انجام داده و صندوقها را برای قلابی پرکنند و بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که همین آرا منتشر شده هم بمراتب بیش از آراء واقعی مردم است.

انتخابات میان دوره‌ای بروشنی نشان داد که اکثریت وسیعی از مردم اعتماد و اعتقاد خود را نسبت به نهادهای قانونی نظیر مجلس، دولت، و..... از دست داده‌اند زیرا همین یکسال واندی که از عمر مجلس میگذرد برای مردم کافی بوده تا به ماهیت ضدمردمی آن پی برند. مردم متوجه شدند که این چنین نهادهائی با توجه به ماهیت خود، بنحوه انتخابات غیردمکراتیک آن و اینکه مردم قادر نبودند نمایندگان واقعی خود را به آن بفرستند، اینکه هیچکس حتی نمایندگانی که در مجلس حرف خود را بزنند و از همه مهمتر اینکه این مجلس در تمام طول حیات خود به کوچکترین خواسته و انتظار آنها پاسخ نداده است و آنچه بخصوص رسانده علیه توده‌ها بوده است قابل اعتماد نیست. بنابراین با وجود تمام تبلیغات و تهدیدها و اینکه همین شرکت در انتخابات را تکلیف شرعی اعلام کرده‌اند نتوانست جز تعداد بسیار معدودی از مردم را به پای صندوق های رای بکشاند و بدین ترتیب مجلس شورای اسلامی بی آبروتر از همیشه به نهادی که کوچکترین پایگاهی در میان توده‌ها ندارد مبدل میگردد.

# اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور

## لکه ننگی دیگر بر دامان رژیم جمهوری اسلامی

اعدام های گروهی و بدون محاکمه انقلابیون در زندان های جمهوری اسلامی، موجی از خشم و نفرت در سراسر جامعه برانگیخته است. سازمانها و گروههای مختلف طی بیانیه هائی این اعدامهای قرون وسطائی و بخصوص اعدام انقلابیون شناخته شده‌ای همچون سعید سلطانپور و محسن فاضل را محکوم کرده‌اند. سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) در بخشی از اطلاعیه خود می نویسد:

اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور لکه ننگی دیگر بر دامان رژیم جمهوری اسلامی.

دیروز از رادیو شنیدیم که پانزده (۱۵) نفر زن و مرد که حتی هویت تعدادی از آنها مشخص نبود اعدام گردیدند. امروز صبح خبر اعدام هشت (۸) نفر دیگر که با ژهویت دو مرد و یک زن از آنها معلوم نبود را شنیدیم. "همه" جرم شرکت در اعتشاشات اخیر امی بینید که حکم دادگاههای ضدانقلاب رژیم جمهوری اسلامی حتی سنگین تر از حکم دادگاههای ضدانقلابی آریامهر و از هاری است تا جائی که زحمت شناسائی متهم را نیز به خود نمی دهند. زهی وقاحت و بیشرمی!

در میان این هشت نفر اسم دو چهره آشنا رفقا محسن فاضل و سعید سلطانپور را شنیدید. این رفقا ما هها قبل توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند.

رفیق محسن فاضل از کادرهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و مبارزی قدیمی بود که بهترین سالهای زندگیش را در مبارزه با دیکتاتوری سیاه آریامهری بسر برده و در راه منافع زحمتکشان با سرمایه‌داران جنگیده. چه در آزادی و چه در اسارت هیچگاه تسلیم سرمایه‌داران نگردید و به منافع کارگران و زحمتکشان پشت نکرد.

رفیق سعید سلطانپور کادر سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بود. او شاعر انقلابی دوران خفقان آریامهری و از سرآمدهای ادبیات نوین انقلابی میهن ما بود که فعالانه در عرصه هنر و ادبیات به مبارزه با سرمایه‌داری و دیکتاتوری آریامهری برخاسته و در سلولهای ساواک وحشیانه ترین شکنجه‌ها را متحمل شده و سالها از عمرش را در سیاه چالهای رژیم پهلوی گذرانده بود.

کارگران و زحمتکشان!

علیه کشتار وخفقان بی‌سابقه سرکوب و اعدام نیروهای کمونیست و انقلابی و حمله رژیم جمهوری اسلامی به دستاوردهای قیام بهمن ماه و سرکوب آزادی و دموکراسی انقلابی اعتراض نمائید.